

بآن ملک در محاکم عدلیه از کسی پذیرفته نخواهد شد .

ولی اگر در ضمن ثبت ثقل و تزویری اعمال شده باشد اشخاصی که باین ترتیب متضرر شده اند می توانند بر علیه کسانی که ثقل نموده اند برای جبران خسارات خود اقامه دعوی نموده و پس از صدور حکم محاکم صالحه عین ملک را در صورتی که در تصرف ثقل کننده باشد و یا قیمت آن را بملاوه خسارات وارده اخذ کنند هر گاه تقصیر از طرف مدیر ثبت اسناد و املاک بوده و مدیر مزبور قادر بجبران خسارات وارده نباشد اقامه دعوی ممکن است بر علیه دولت در محاکم عدلیه بعمل آید (بعضی گفتند این قانون هنوز تصویب نشده است) .

شیخ الاسلام - تأمل فرمایند همین را که آقای وزیر عدلیه فرمودند و بر طبق عقیده شان ایستاده اند باید پس بگیرند . عرض کردم رفت و دیگر بمجلس نمی آید اگر ما کاری داریم باید حالا بکنیم ما دیگر در میدان توپخانه آنرا می بینیم بنده باز سؤال را تکرار میکنم ، مقصود اصل دوم واصل بیست و هفتم قانون اساسی است که می گوید هر قانونی که مخالفت با قوانین مقدسه اسلام داشته باشد اگر تمام تقلین آنرا امضاء کنند قانون نخواهد شد می خواهم از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم که در صورتی که این قانون که بمجلس تقدیم کرده اند مجری شد ملک می هم ثبت شد آنوقت اگر زید یا عمر و یا بنده یک حکم قطعی از یک نفر حاکم شرع که مصداق حقیقی مومن امتحان الله قبله لایمان باشد آوردیم آیا در مقابل آن ثبت پذیرفته می شود یا خیر ؟ و در صورتی که دولت برخلاف حق بگوید من نمی خواهم این حکم شرعی را جاری کنم اگر صاحب حکم خودش برود آن حکم را بموقع اجرا بگذارد دولت مزاحمتی با او خواهد کرد یا خیر

وزیر عدلیه - یک قسمت از سؤال آقای شیخ الاسلام متوجه رأی گذشته مجلس بود این قسمت مربوط بعمل من نیست من نباید مدافع رأی مجلس باشم مجلس رأی داد آنچه از کمیسیون عدلیه بگذرد قانون است حالا قلم بود یا صحیح بنده نمیدانم اکثریت قریب باتفاق رأی داد و در این خصوص هر اعتراضی بشود متوجه بنده نخواهد بود فقط چیزی که در سؤال ایشان برای بنده غیر روشن ماند این بود که در سؤال اول نماینده محترم مدافع تصرف بودند و بعد در سؤال دوم اعتراض بر تصرف داشتند زیرا در سؤال اول فرمودند شرعاً دست تصرف قوی و محترم است در سؤال دوم بر تصرفات اعتراض کردند سؤال می کنم آیا در یک مورد بخصوص دو عقیده باید داشت که هر دو با یکدیگر متضاد باشد ؟ حالا از این مطلب می گذریم .

جمله معترضه بود که عرض کردم در هر صورت اگر دست تصرف قوی است در هر دو مورد باید قوی باشد یعنی هم در مورد آقای اسلامی هم در مورد فقرا و ضعیفای بروجرد و لرستان باید قوی باشد پس در حقیقت یک اصل واحد و مشترک باید اتخاذ شود فرمودند ما از این قانون در میدان توپخانه اطلاع پیدا خواهیم کرد خیر نظر نامنامه داخلی طرفی معین کرده است (اگر چه وظیفه من نیست بگویم) کمیسیون عدلیه مرکب از درازده نفر از نمایندگان است که انشاء الله خود جناب عالی هم در چهاردهم حمل جزو آنها انتخاب خواهید شد و اگر اعتراضاتی دارید بکمیسیون عدلیه پیشنهاد بفرمایند کمیسیون عدلیه هم البته آنرا در نظر خواهد گرفت و موافق میل و داخواه حضرت عالی اصلاح خواهد شد و لازم نیست در میدان توپخانه از قانون عدلیه خبر پیدا کنید در خود مجلس شورای ملی ممکن است مستحضر باشید دیگر اینکه سه چهار فقره ایراد فرمودید که این قانون برای ایجاد مخارج هنگفت و پیدا کردن کار برای بیکاران و تضییع حقوق فقراء وضعاً تأسیس شده خیر این طور نیست بنده عرض می کنم اگر از نقطه نظر مادی و منفعتی نگاه کنیم امیدواری میرود که در آتی علاوه بر اینکه اداره ثبت اسناد مخارج گزافی برای دولت نداشته باشد عایدات ثبت اسناد برای تمام مخارج قضائی ما کافی باشد پس برای خرج هنگفت تأسیس نشده برای حصول عایدات هنگفت است هیچ ضرر ندارد یک مجلسی پیدا کنیم که هم عایدی داشته باشد هم اسباب اعتبار معاملات باشد در خصوص تهیه کار برای بیکاران فرمایشی فرمودید بنده عرض می کنم وظیفه فرد فردا است برای بیکاران مملکت کار پیدا کنیم زیرا مملکت محتاج بکار است تمام اهالی مملکت فقیرند و وظیفه مجلس شورای ملی است کسی را که کار برای بی کاران تهیه می کند تشویق نماید زیرا تمام افراد مملکت باید بتوانند تأمین معاش و روزی خود را بکنند این البته نیت خوبی است ولی اگر جناب مستطاب عالی طرفدار فقراء وضعاً هستید این اصل را باید زیاد تر تمقیب فرمایند

وحید الملک - دولت باید اینکار را بکند

وزیر عدلیه - همه باید تهیه کار کنند دیگر اینکه بر بعضی از این مواد اعتراضی فرمودید و بر سببید پس از اینکه یک نوشته ثبت شد و از محضریکی از حکام شرع حکمی صادر شد آیا مطاع خواهد بود یا خیر جواب این است البته همیشه البته بنده نمی دانم حضرت عالی فرصت فرمودید این قانونرا از سر تا آخر بخوانید یا خیر ؟ اگر از اول تا آخر خوانده اید ملاحظه فرموده اید

که در این قانون شرایط و دستوراتی برای ثبت معین شده و باید بدان عمل شده اگر کسی ادعائی دارد در مدتی که در این قانون معین شده و بعد کافی است می تواند اعتراض کند و اگر جناب عالی این مدت را کم می دانید مربوط بسؤال از بنده نیست شما وکیل هستید و حق انشاء قانون را دارید به کمیسیون عدلیه پیشنهاد بفرمایند این مدت چهار ماه که برای پذیرفتن شکایات لازم است کم است و باید هشت ماه بشود یا سه مقابل بشود بملاوه گمان می کنم ماده ۱۱۹ جواب جناب عالی را می دهد اگر در ضمن ثبت تزویر و تقلبی شده باشد فلان و فلان می شود اگر از محضر شرعی حکم بر حقیقت شخص دیگری صادر شده باشد لابد شخص اولی از روی ثقل و تزویر آن سند را ثبت کرد حاکم شرع که بدون مدرک حکم نمی دهد حاکم شرع مدارک را دیده و حکم بمن داده است طرف هم صکه نوشتجاتش ثبت شده لابد متوسل بتزویر و تقلب شده که این معامله را ثبت کرده آن وقت بر طبق این ماده بمحکمه عرض حال می دهد و ملک را از دست او می گیرند و به تصرف مالک می دهند زیرا که ملکیت او هم بر حسب حکم مجتهد مجری شده است

شیخ الاسلام - آقای وزیر عدلیه فرمودند این قانون بکمیسیون میرود بنده نمی دانم این قانون که تقدیم مجلس شورای ملی کرده اند مطابق عقیده شان بوده و از او مدافعه خواهند کرد یا مسوده است که تقدیم کرده اند و اینکه بر اظهار بنده راجع با احترام تصرف اعتراض کردند اگر چه فرمودند جمله معترضه است ولی باز بنده تکرار می کنم تصرف محترم است ولی احترام تصرف مانع از ادا نیست مقصود بنده این است که مزاحمت متصرف بدون مستند شرعی حرام است ولی مزاحمت تصرف یعنی اینکه بگویند یا خانه حاکم شرع حاضر شد بملک تو ادعا دارم این دو مسئله ما نعا الجمع نیست و منافاتی نداود و در آخر هم تصدیق فرمودند که حکم شرعی پذیرفته است منظور بنده هم این بود که در نطق شریفشان درج شود و بنده هم تمام این قانونرا دوسه مرتبه خوانده ام و انصافاً بهتر از سایر قوانینی است و اگر چه در مقابل قوانین اسلامی مثل آب در مقابل سر که ترش است ولی خیلی با احتیاط نوشته شده مقصودم این است که وقتی یک ملک ثبت شده باشد اگر کسی چنین حکمی بدهد این حکم مجری است یا خیر خیلی هم خشنود شده که فرمودند مجری است و در صورت مشروح مجلس هم هست که بعد ها بتوانم هرا یض خود را بکمیسیون عدلیه اظهار کنم

وزیر عدلیه - البته این قسمت فرمایشات اخیر ایشان محتاج بذکر نبوده و راجع بقسمت اول فرمایشاتشان هم عرض

می کنم این مسوده نیست و لایحه قانونی است و آنرا امضاء کرده ام و البته معتقد هم بوده ام

رئیس - چون روز شنبه مصارف با ولادت حضرت خامس آل عبا (ع) است جلسه روز یکشنبه سه ساعت بغروب مانده و دستور هم قانون منع صدور ریوست برخواهد بود

(بعضی تقاضا نمودند جلسه آتی سه شنبه باشد)

رئیس - عده برای رأی گرفتن کافی نیست روز یکشنبه خواهد بود

وزیر عدلیه - نظر باینکه تفسیر اصل هفتاد و نهم قانون اساسی فوق العاده محل احتیاج است و لایحه اش هم تقدیم مجلس شورای ملی شده و امروز هم شنیدم طبع و توزیع شده است از آقایان امضاء کمیسیون عدلیه استندها کردم عصر یکشنبه کمیسیونرا منعقد کنند بلکه راپورت آن صادر شده حالا که جلسه را برای روز یکشنبه معین فرمودید استدعا می کنم مقرر فرمائید موقع دیگری کمیسیون عدلیه منعقد شده بلکه روز پنجشنبه آتی تفسیر اصل هفتاد و نهم در مجلس مطرح شده که بر طبق آن ماده بتوانیم قانون هیئت منصفه را تقدیم کنیم

رئیس - ممکن است کمیسیون عدلیه صبح یکشنبه منعقد شود

وزیر عدلیه - مزاحمت با کمیسیون بود چه خواهد کرد اگر روز دوشنبه باشد بهتر است

رئیس - ممکن است برای شب دو شنبه منعقد شود

(مجلس دوساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه هشتاد و چهارم

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه

چهارم شعبان ۱۳۴۰ مطابق دوازدهم حمل ۱۳۰۱

مجلس تقریباً دوساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم پنجشنبه نهم حمل ۱۳۰۱ قرائت شد

رئیس - گویا نسبت بصورت مجلس ایرادی نباشد آقای شیخ الاسلام اصنافی (اجازه)

شیخ الاسلام - آقای وزیر عدلیه در جواب بنده دو مرتبه تصریح فرمودند که در مقابل قانون ثبت اسناد حکم شرعی پذیرفته میشود و اینجا بطور غیر قطعی نوشته شده است

رئیس - دو مرتبه قرائت میشود گمان نمی کنم در اینجا مجهول نوشته شده باشد

(مجدداً جواب آقای وزیر عدلیه قرائت شد)

محمد هاشم میرزا - در کمال صراحت نوشته شده است .
 رئیس - دیگر ایرادی نیست ؟
 (اظهاری نشد)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد
 آقای شریعمدار کرمانی از کمیسیون هرایض تقاضای مرخصی نموده اند و کمیسیون هرایض هم برای ایشان دو ماه مرخصی تصویب کرده است حالا باید رای بگیریم در این باب مخالفی هست یا خیر ؟
 (مخالفی نشد)
 رئیس - معلوم میشود مخالفی نیست
 آقایانیکه دو ماه مرخصی ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد ، لایحه منع بره کشی و صدور پوست بره مطرح است مذاکرات در کلیات است
 آقای نظام الدوله مخالفند ؟
 نظام الدوله - بلی مخالفم
 رئیس - بفرمایند .
 نظام الدوله - بنده با کلیه این لایحه مخالفم باینجهت که تا بحال آنچه دیده شده این قبیل پیشنهادات و این قبیل قوانین که وضع شده است جز یک عایدات غیر مستقیمی برای عمال دولت امر دیگری از برای مملکت نداشته است و جز اسباب زحمت و ضرر برای یکجست رعیت فقیر یا ضرر دیگری را دارا نیست و فقط فقرا از این مقداری قدرتی هم که دارند در زندگانی خود دارند معروم می مانند و برای دولت هم نتیجه نخواهد داشت
 رئیس - آقای سلطان العلماء مخالفند
 سلطان العلماء - بلی مخالفم .
 رئیس - آقای کازرونی چطور ؟
 آقای میرزا علی کازرونی - بنده هم مخالفم .
 رئیس - آقای تدین هم مخالفند
 تدین - بلی بنده هم مخالفم
 رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی چطور ؟
 عماد السلطنه - بنده هم مخالفم
 رئیس - آقای آقاسید یعقوب موافقت یا مخالف ؟
 آقای سید یعقوب - بنده موافقم
 رئیس - بفرمائید
 آقای سید یعقوب - گمان میکنم این لایحه بهترین لایحه ایست که از طرف دولت بمجلس تقدیم شده است بجهت اینکه ما باید ارزاق عمومی را زیاد نکنیم و کاری نکنیم که نان و گوشت در مملکت زیاد شود و اگر ما این کارا پیش بریم بهترین چیزها همین است ما باید باین لایحه رای بدیم که پوست بره خارج و بره توری کشته نشود تا آنها بزرگ شوند و ارزاق عمومی فراوان شود که منافع مادی و معنوی ما را زیاد کنند البته هرچه احشام و اغنام ما بیشتر باشد منافع ما بیشتر و اسباب ارزاق

گوشت و راحتی فقرا خواهد شد من هرگز گمان نمی کردم که این لایحه از این حیث محل خلاف بشود بلی ممکن است از این راه محل خلاف باشد که این لایحه دست آویزی برای مأمورین دولت خواهد شد که بجان مردم بیچاره بیفتند و بگویند این بره که کشته اید شمشاهش نشده و اسباب زحمت مردم را فراهم نمایند شاید از این راه این ماده محل خلاف باشد و گرنه اصل این مطلب که دولت از کشتن بره مائی که هنوز شمشاهشان نشده است جلوگیری کنند گمان نمی کنم محل خلاف باشد چون این مسئله بهترین طریق برای ازدیاد گوشت و راحتی فقرا است ولی در ماده دوم این لایحه که مینویسد در هر جا پوست بره که کمتر از ششماه داشته است دیده شود (اهم از تولدی و غیر تولدی) بعنوان جریمه بفتح دولت ضبط خواهد شد با این ماده مخالفم و بموقع خودش هم علت مخالفتم را عرض خواهم کرد .
 رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)
 سلطان العلماء - اولاً در موضوع اینکه ارزاق عمومی باید زیاد شود مجلس مخالفتی ندارد ولی تصور نمیکنم از این راه وسیله ازدیاد ارزاق عمومی فراهم شود و گمان میکنم این لایحه فقط يك بهانه دستی برای مأمورین دولت شود (حالا بمرکز کار ندارم) در ولایات و ایالات در صورتیکه بقول فرموده آقای وقت الدوله از اتومبیل حق مرنع بگیرند آنوقت معلوم است در نفتیش اینکه فلان بز یا میش جوان و یا معیوب بوده یا نبوده است چه خواهند کرد در ایران کدام سجل احوال را برای بز یا میش دارند در کجا سن آنها را ثبت کرده اند که معلوم شود فلان بز یا میش جوان است یا پیر است بهرحال بنده این مسئله را برای رهایی و فقرا خیلی اسباب زحمت و بدبختی میدانم و گمان میکنم پس از گذشتن این لایحه آن بدبخت فقرای بی نوا که میخواهند از این راه امرار معاش نمایند فردا باید در شهرها و قصبات يك مبلغی تقدیم امین مالیه نمایند تا اجازه بدهد که گوسفند خود را بفروشند و این مسئله مخالف دیانت و خلاف الناس مسلطون علی انفسهم و اموالهم است بنده همین مسئله را در کمیسیون هم عرض کردم ولی اعضاء کمیسیون با بنده موافقت نکردند حالا امیدوارم که مجلس شورای ملی با بنده موافقت کند و بنده پیشنهادی هم می کنم که در ایالات و ولایات فقط بره کشی ممنوع باشد و اگر خواستند پوست بره هم بفارجه بفرستند يك گمرک گزافی بر او بسته شود و گمان می کنم طبعاً اقدام باین امر کرده شود و اگر بنا شود که این لایحه به همین طریق بگذرد بسا هست از

از کشتن میش یا بز که شیر میدهد و پستان او معیوب است یا صاحب آن مفلوک و از نگاهداری آی ها جز است جلوگیری کنند بهرحال آقایانی که در ولایات زندگانی کرده اند و از زندگانی فقرا درست مستحضرنه میدانند يك عده از رهائیا هستند که می روند از لرستان و کردستان میش یا بز پیر و معیوبی پیدا کرده بقیمت ارزانی میفروشند با زحمت زیادی آنها را میفروشند چاق میکنند و می برند بنقاطی که که در آن جاها گوشت کمتر است می فروشند و از این راه اعاشه می نمایند و حقیقتاً هم هر اید آنها از هر گوسفندی چهار پنج قران بیشتر نیست فردا پس از گذشتن این لایحه باید آن سه چهار قران عایدی را هم تقدیم مأمورین دولت بنمایند
 رئیس - آقای محمد هاشم میرزا موافقت
 محمد هاشم میرزا - خیر مخالفم
 رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفند
 حاج شیخ اسدالله - بلی مخالفم
 رئیس - آقای دولت آبادی چطور ؟
 حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده مخالفم
 رئیس - آقای اقبال السلطان موافقت
 اقبال السلطان - بلی موافقم
 رئیس - بفرمائید
 اقبال السلطان - بنده از فرمایشات آقای نظام الدوله اینطور فهمیدم که در اصل موضوع مخالفی ندارند و مخالفان ایشان از این راه است که اجرای این لایحه و جلوگیری از این کار بتوسط مأمورین مالیه اسباب زحمتی مردم خواهد بود اگر مقصود این است و آقای نظام الدوله باینجهت مخالفند پس ما باید کلیه مالیات های را لغو کنیم چرا که مأمورین مالیه بوظیفه خود عمل نمیکنند چرا اینطور نیست البته اگر مأمورین مالیه بوظیفه خود عمل نکردند باید آنها تنبیه و مجازات شوند نه اینکه مانع وضع قانون باشد قانون باید در موقع خودش وضع شود و از مأمورین مالیه هم باید جلوگیری کرد آقای سلطای العلماء با وجود اینکه در کمیسیون قوانین مالیه عضویت دارند چندین روز در آنجا مذاکره و در مقابل همین فرمایشاتی که فرمودند جوابهایی داده شد و ایشان متقاعد شدند حالا بنده باز مجبور هستم که آن جوابها را تکرار کنم در این لایحه می نویسد (ذبح بره و بزغاله که کمتر از ششماه داشته باشد و همچنین میش و بز ماده جوان که مستعد زائیدن باشد ممنوع

است) البته تصدیق می فرمائید ذبح میش یا بز جوان که مستعد زائیدن باشد خیلی اسباب ضرر و خسارت برای ارزاق عمومی است و اینکه فرمودند از کجا معلوم می شود که بز یا میش پیر یا جوان است این مسئله خیلی اسباب تعجب است زیرا سن تمام حیوانات را از دندانان تمیز می دهند و اینکه فرمودند از کجا معلوم می شود که گوسفند معیوب است یا نه این هم معلوم است البته حیوانات را وقتی بخواهند ذبح کنند به مسلح می آورند و البته اشخاصی هستند که می شناسند علت حیوانات را خصوصاً حالا که دکتر هم برای این کار معین کرده اند و حیواناتی را که ذبح می شوند رسیدگی می کنند که مرضی نداشته باشد و آنها عیب گوسفند را کاملاً معلوم می کنند دیگر این که در این لایحه مخصوصاً قید شده است که بز یا میش جوانی که مستعد زائیدن هستند ذبح نکنند والا آن حیواناتی که پیر هستند یا معیوب هستند ذبح مانعی ندارد که آن ها را بکشند بهلاوه جریمه هم برای این کار معین نشده است که مثلاً اگر کسی میش جوانی را که مستعد زائیدن است بکشد فلان قدر باید جریمه بدهد و چون چون جریمه هم معین نشده است گمان می کنم چندان اشکالی نداشته باشد
 رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
 آقای میرزا علی کازرونی - بنده علاوه بفرمایشی که آقایان جمع به سجل احوال فرمودند عرض می کنم هر وقت مالک دکتر خانه های خیلی خوبی شدیم که بتوانند صحیحاً امراض حیوانات را تشخیص بدهند و بفهمند که این بز یا میش مرضی دارد یا ندارد می زاید یا نه می زاید آن وقت می توانم این لایحه را اجرا کنیم و گرنه بواسطه تصویب این لایحه فقط يك عده مردم را تسلط می کنم بر فقرا و يك عده مردم بی چاره زحمت کش و دولت هم هیچ استفاده از این راه نمی کند و در صورتی هم که جریمه و جزائی برای مرتکبین این عمل معین نشده باشد آن وقت این حکم برای پیغمبر امام خوب است که بدانند اگر يك همچو کاری کردند عندالله و عندالرسول در نزد وجدان خود مسئول خواهد شد بسیار خوب فرضا برای کسیکه بز یا میش جوان مستعد زائیدن را ذبح کرد در اینجا جریمه برای او معین نشده باشد ولی تصور بفرمایند هر کسی که از طرف يك اداره چوبی در دستش باشد ممکن است از مرتکب این عمل جریمه ها بگیرد و ظلمها بکند و بالاخره چون در اینجا جزائی هم برای مرتکبین معین نشده است هیچ نتیجه برای دولت نخواهد داشت بنده گمان نمی کنم که هیچیک از آقایان نمایندگان مخالف منع بره کشی باشد در صورتی که يك راه عملی تری پیدا شود ولی باین ترتیب

و این لایحه گمان می کند جز تولید زحمت برای یک مشت فقیر و بیچاره نتیجه دیگری نخواهد برد علاوه بر زویش جوانی که مستعد زاینده باشند البته صاحبان آنها هم بقیتهای زیاد هم آنها را نخواهند فروخت و مستحق نخواهند هم کشت ولی آن گوسفندهائی که بدرستی خورند و از کار افتاده نمانند آنها را با می فروشند یا ذبح می کنند بهر جهت بنده باین لایحه باین ترتیب مغالفت

فهم الملك - مغزیر - آقایان مغالفت با اصل موضوع را با مبادا کرده مواد با هم مغلوب می کنند اول باید فهمید که آقایان با اصل مطلب و مقصود این لایحه که منع بره کشتی باشد موافقت یا مغالفت چون این یک موضوعی است که باید قبلاً معلوم شود و بعد داخل در مذاکره مراد شریک و بینیم جزئیات بالایحه معری شود اول خاطر آقایان را مستحضر کنم در چند سال قبل در ایام استبداد صغیر یعنی قبل از مجلس دوم دولت روسیه یک فشارهائی بایران می آورد و بعضی از اتباع آن دولت یک مطالباتی از دولت ایران ادعائی کردند و بالاخره با دولت آنروز قرار گذاشتند که برای وصول مطالباتشان یک محل مخصوص معین شود و برای تاریخ مطالبات آنها قرار گذاشتند که از پوست های بره که از داخله بخارجه حمل میشود یک تا کسی معین اخذ شود و روسها هم شروع کردند بگرفتن تا اینکه مجلس دوم متوجه شد و این مسئله را تعقیب نمودند (تقریباً دوست هزار تومان مطالبات روسها بود) اخیراً قرار شد تا پنج سال که هر سالی تقریباً چهل هزار تومان مایهات این گمرک میشد آنها اینطور از اخراج پوست بره دریافت دارند و پس از آنکه مطالبات آنها وصول شد دیگر حق ندارد از این باب چیزی دریافت دارند بعد از پنج سال که مطالبات اتباع روس پرداخته شد دولت در صدد بر آمد که این منبع عایدی را از دست ندهد و نگاهداری کنند لیکن روسها در آن موقع میخواستند از هر طرف تضییقاتی برای دولت فراهم کنند لذا در تحت این عنوان (که بر صادرات بیش از حق که در تفرقه گمرکی معین شده است نباید چیزی علاوه شود) از این مسئله جلو گیری کردند و مدتی در این موضوع مذاکره شد و بالاخره راهی که نظر دولت رسید این بود که اساساً بره کشت را قفس کنند چون مردم بواسطه منافعی که از پوست بره می بردند حتی میش های آبتن را بجهت بره های تولی آنها میکشند و از این راه خسارتهای زیادی هم بر ازران عمومی وارد میشد باین واسطه دولت احکامی صادر و بره کشتی را منع نمود و قرار گذاشتند از پوستهاییکه از سرحد خارج می شود بملی بعنوان جریمه دریافت کنند از اقسام پوست از سی شاهی الی سه قران می گرفتند ولی ضمناً هم سعی میکردند که

اصلاً بره کشتی موقوف شود برای اجرای این امر جریمه های خیلی سخت قرار دادند که خیلی اسباب زحمت بود مثلاً در خانها می رفتند و تفتیش میکردند بالاخره این ترتیب گاهی معمول بود و گاهی موقوف می شد تا امسال که خواستند باینکار صورت قانونی بدهند و جداً از بره کشتی جلو گیری کنند که هم سبب فراوانی آذوقه مملکت بشود و هم رایائی که این همه آقایان از آنها طرف داری میکنند آسوده باشد لایحه که دولت پیشنهاد کرده بود (البته آقایان ملاحظه فرموده اند) همان زمینه سابق را تعقیب کرده بودند که از بره هائی که کشته می شود هر بره پنج تومان جریمه بگیرند و گوسفند هائی که ناخوش هستند صاحبان آنها باید آن ها را بیاورند بقاطی که امین مالیه در آنجا هست و در آنجا معاینه شود اگر معیوب بود نکشند و باید از امین مالیه هم تصدیق نامه بگیرند ولی تصدیق می فرمایند باین ترتیبی که دولت پیشنهاد کرده بود علاوه بر این که مقصود را نمی رساند یک زحمات زیادی هم تولید و در کمیون هم مذاکره شده اما چون قوانینی که در مجلس نوشته می شود البته باید طوری نوشته شود که بفتح مردم باشد نه بضرر مردم حتی اگر جزئی ضرری هم بدولت تحمیل می شود دولت آن را قبول کند که مردم آسوده باشد.

حالا مقصود از کشتن بره تولی چیست چنانچه در مقدمه راپرت کمیون هم نوشته شده است که کشتن بره ها به دو جهت است یکی آنهاست که هنوز بدینا نیامده اند یعنی میش ها یا بره های آبتن را می کشند که بجهت آنها را از شکمشان بیرون بیاورند و پوست آن ها را بفروشد این یک قسم دیگر بره های دو ماهه و سه ماهه هستند که آنها را بجهت کوششان می کشند قسمت اول در تمام طبقات بجهت فروش پوست آنها معمول است ولی قسمت دوم هیچ مربوط بقراهو ضعفانست زیرا آنها تفتن گوشت بره خوردن ندارند و در دهات و قصبات هم خوردن گوشت معمول نیست فقط خوردن گوشت بره اختصاص بشهرها دارد و چون بره هم باین واسطه کشته نمی شود ولی بره های تولی بواسطه پوستشان زیاد کشته شوند و اگر ما بخواهیم جداً از این کار جلو گیری کنیم می توانیم بهمان پوست بره هائی که فقط بره هائی که باین واسطه می کشند ضبط کنیم دیگر تفتیش و غیره هم لازم نیست طبعا وقتی که دیدند از پوست بره نمی توانند استفاده کنند البته این کار را تعقیب نمی کنند باین مناسبت کمیون این طور صلاح دانست که در هر کیجا بره بکشند از طرف دولت

پوست آن ضبط شود البته کشته بره که بواسطه پوست بره را می کشند وقتی که دید پوست بره اش ضبط می شود دیگر بره خود را نخواهد کشت قسمت دیگر که بره ها متولد شده باشد پوست آنها شاید تا چند روز اول مصرف داشته باشد ولی پس از پنج شش روز دیگر پوست آن ها مصرف ندارد و کشتن آنها فقط معض تفتن است و از ضبط آنها ضرری بصاحبان بره وارد نخواهد آمد زیرا آنها سی شاهی و دو قران الی دو ریال بیشتر ارزش ندارد و کشتن آنها هم باین واسطه منع کرده اند که بمانند و بزرگ شوند تا اسباب زیادی کوشش و ازران عمومی شود در این قسمت هم کمیون تصمیم گرفتند که فقط بضبط پوست این قبیل بره ها که بجهت کوششان آنها را می کشند قناعت شود کز یاد اسباب زحمت مردم فراهم نیاید اما در قسمت اول یعنی کشتن میش های آبتن و بزهای ماده البته باید در این مسئله یک تصمیمی گرفت یا باید آنها را آزاد گذاشت که هر کس می خواهد بکشد و یا باید مغالفت کرد البته آقایان در تهران دیده اند که در این فصل بهار چند بره های تولی می کشند و روی چوب می اندازند و می فروشند در صورتی که گوشت آنها هیچ مصرف ندارد یک چیز بد خوراک بد مزه است و فقط برای گوشت آن ها است که هم میش را از بین می برند و هم بره را و گمان نمی کنم آقایان مغالفت باشد که از کشتن میش ها و بزهای آبتن مغالفت شود زیرا این یک ضرری است که بره ها وارد می شود البته وقتی که داخل در مواد شدیم در آنجا مذاکره خواهیم کرد که پوستها در سرحد باید ضبط شود یا در جاهای دیگر و راجع باینکه از کجا معلوم کنیم که بره ها شش ماهه یا زیادتر یا کمتر دارند اینها یک چیزهائی است که در ضمن شور در مواد باید مذاکره شود استعدا می کنم راجع بمنفع کشتن بزومیش آبتن که اصل مطلب است آقایان رای بدهند وقتی که داخل در مواد شدیم در این جزئیات کاملاً می توانیم مذاکره کنیم رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - مقصود از کلیات لایحه همان مواد لایحه است و لابد وقتی در کلیات صحبت می شود تمام صحبت ها راجع ب مواد باشد بنده اساساً با بره کشتی مغالفت برای

اینکه صحیح نیست مادامی که بره آن استفاده که باید بکشند نکرده اند ازران کسند خصوصاً وقتی که در شکم مادرش باشد بنده کاملاً با این اصل یعنی مانع کشتن بز و میش آبتن و بره موافقت ولی این لایحه تأمین نمی کند این مسئله را قانونی وضع شود برای حفظ منافع جامعه است ما در اینجا از یک طرف معتقدیم که بزومیش آبتن کشته نشود تا سبب از دیاد ازران عمومی شود اما از طرف دیگر در اجرای این لایحه اگر یکمده از فقر دچار زحمت شدند و یک صدماتی متوجه آنها شد اینجائی شود خودمان را راضی نکنیم که یکمده گوشت بخورند و یکمده چهار زحمت و شکنجه ماورین غیر مطلع بشوند در اینجا می نویسند از نقطه نظر حفظ منافع عمومی در تمام مملکت ایران ذبح بره و بزغاله که کمتر از شش ماه داشته باشد ممنوع است تشخیص این مسئله بجهت شکل می شود آقایان اقبال السلطان فرمودند از دندان آنها میشود تشخیص داد اما فرض در این است که بره کشته شده و پوست هست پوست بره که دندان ندارد از کجای پوست می توان معلوم کرد که این بره ه ماهش بوده یا پنج ماه و پنج روز ظاهر قانون و مفهوم قانون صحبت است فردا ماورین مالیه همین ماده اول را ماخذ اقدامات خودشان قرار می دهند و میگویند در این جا نوشته شده است ذبح بره که کمتر از شش ماه داشته باشد ممنوع است و این بره که کشته شده است پنجاه است و یازده روز بیشتر عمر نداشته است هر چه فریاد کنند که شش ماه و سه روز داشته می گویند خیر از شش ماه هم یک روز کمتر بوده و اگر ماور مالیه مزاحمت و سخت گیری کند گمان نمی کنم باید غیر قانونی را به موقع اجرا بگذاریم و غیر قانون این است که باید کمتر از شش ماه نداشته باشد از کجا می توان تشخیص داد که آن بره که کشته شده شش ماه یا بیشتر یا کمتر این است که اگر بره مریض شد و آن را کشتند این قانون آنرا مستثنا نکرده است زیرا آنجا که می نویسد مادام که عیب و هلتی نداشته باشد این استثناء را متعلق ب بزومیش است نه بره و اگر احیاناً در یک نقطه ده بایست بره مریض و معیوب شوند که مجبور باشند آن ها را ذبح نمایند هیچ در این قانون این مسئله را استثناء نکرده است و بعقیده بنده قانون باید حتی الامکان طوری نوشته شود که در موقع اجرا هم مردم دچار اشکال نشوند و هم ماورین به مشکلات بر نخورند بنده اساساً مغالفت کشتن بره هستم زیرا این مسئله برخلاف همه چیز است کشتن بره که در شکم مادرش باشد یا بره که شیر می خورد و هنوز استفاده رضائی که باید از مادرش بکشند

نکرده و جدا تا آنجا انصافاً دور از انصاف است ولی بنده می بینم که این ماورین غلاظت و شدادت باندازه بجهت رعایا تولید زحمت می کنند که حدود حصر ندارد در ماده پنجم که می نویسد وزارت مالیه برای این کار یک نظامنامه خواهند نوشت که ماورین در موقع اجرا دچار اشکالات نشوند و صدمه متوجه اشخاص نشود بنده هر چه که فکری کنم می بینم مشکل است یک نظامنامه نوشت که رفع اشکال بکند و چون این مسئله هم مثل طاحونه که می خواستیم آرد را در خراسان و ترکستان وارد میشود و بفروش میرسد در صورتیکه پوست بره بخار را در خراسان دانه هفت قران هشت قران می فروشند بنده نمیدانم چه طور میشود که گوسفند آبتن را بقیمت گران بفروشد آنرا بکشند و بره آنها را هم بکشند آنوقت باین قسمت بفروشد و باز صرفه بکشند در صورتیکه پوست بره بخار این طور که مشهود است بهترین پوستها است باین قیمت است دیگر معلوم است حال پوست بره شیراز و غیره یک وقتی درده یازده سال قبل این تجارت خیلی رواج داشته است ولی حالیه گمان نمیکنم که چندان پوست ایران بخارچه حمل شود بهر حال تا بنده احصایه گمرک را نه بینیم متقاعد نخواهم شد اما قسمی که در داخله بصرف میرسد خیلی مختصر و کم است و بازم عرض میکنم پوست های بره را که از خارج میآورند خیلی بهتر است و بیشتر بصرف میرسد پس نباید طوری کرد که مثل مالیات نمک بشود که مالیات گذاشتند و بعد نمک از روسیه به قزوین آوردند بالاخره گمان میکنم بتصور یک منفعت خیالی دچار ضرر بشویم و آنقدر پوست بره از ترکستان و افغانستان بیاورند که سالی سه چهار کرور پول ما را برای پوست بخارچه برود بنده تصور میکنم که این لایحه را کمیون مسترد دارد و با مشاوره آقای وزیر عدلیه اول طرز اجرای این قانون مذاکره کنید یعنی آنچه که برای خارجه می رود در گمرک ضبط شود و در داخله هم قفسن کنند که استعمال نشود اگر چه گمان میکنم در داخله هم چندان مورد استعمال ندارد یا قشونی ها استعمال میکنند یا هدیه قلیلی از مردم برای کلاه و دود لباس دیگر مثل قدیم مصرف ندارد بهر حال باین ترتیب یک فکری برای این مطلب بکشند که هم آن اشکالات مرتفع و هم مقصود حاصل شود و هم ما مغالفت نکنیم ولی با تجربیاتی که در باب اداره تجدید کردیم یعنی نظامنامه اش را وزیر مالیه نوشت و دیدیم تقلباتی که در داخله شد خیلی اسباب زحمت مردم شد و هیچیک از نمایندگان نیستند که از تقلبات اداره تجدید رضائی باشد بالاخره این تجربیات بابایاموزده که برای یک نفع تصویری که احتمال بدیم بره ها گوسفند بشوند گوساله گاوا آنوقت مردم بیچاره را بزحمت میندازیم و بهتر این است که

میفرمایند که آقایان مغالفت با اساس این لایحه نیستند اینک فرمودند در اصل موضوع کسی مغالفتی ندارد ولی کسی مغالفت منع بره کشتی نیست ولی حرف در اجرای این مسئله است خوب بود که آقای وزیر مالیه اولاً معین میکردند که سالی چند پوست بره از ایران خارج میشود و چند بایران وارد میشود بنده جز در قسمت خراسان از قسمتهای دیگر مطلع نیستم در طرف خراسان تقریباً سالی چندین هزار پوست بره از افغانستان و ترکستان وارد میشود و بفروش میرسد در صورتیکه پوست بره بخار را در خراسان دانه هفت قران هشت قران می فروشند بنده نمیدانم چه طور میشود که گوسفند آبتن را بقیمت گران بفروشد آنرا بکشند و بره آنها را هم بکشند آنوقت باین قسمت بفروشد و باز صرفه بکشند در صورتیکه پوست بره بخار این طور که مشهود است بهترین پوستها است باین قیمت است دیگر معلوم است حال پوست بره شیراز و غیره یک وقتی درده یازده سال قبل این تجارت خیلی رواج داشته است ولی حالیه گمان نمیکنم که چندان پوست ایران بخارچه حمل شود بهر حال تا بنده احصایه گمرک را نه بینیم متقاعد نخواهم شد اما قسمی که در داخله بصرف میرسد خیلی مختصر و کم است و بازم عرض میکنم پوست های بره را که از خارج میآورند خیلی بهتر است و بیشتر بصرف میرسد پس نباید طوری کرد که مثل مالیات نمک بشود که مالیات گذاشتند و بعد نمک از روسیه به قزوین آوردند بالاخره گمان میکنم بتصور یک منفعت خیالی دچار ضرر بشویم و آنقدر پوست بره از ترکستان و افغانستان بیاورند که سالی سه چهار کرور پول ما را برای پوست بخارچه برود بنده تصور میکنم که این لایحه را کمیون مسترد دارد و با مشاوره آقای وزیر عدلیه اول طرز اجرای این قانون مذاکره کنید یعنی آنچه که برای خارجه می رود در گمرک ضبط شود و در داخله هم قفسن کنند که استعمال نشود اگر چه گمان میکنم در داخله هم چندان مورد استعمال ندارد یا قشونی ها استعمال میکنند یا هدیه قلیلی از مردم برای کلاه و دود لباس دیگر مثل قدیم مصرف ندارد بهر حال باین ترتیب یک فکری برای این مطلب بکشند که هم آن اشکالات مرتفع و هم مقصود حاصل شود و هم ما مغالفت نکنیم ولی با تجربیاتی که در باب اداره تجدید کردیم یعنی نظامنامه اش را وزیر مالیه نوشت و دیدیم تقلباتی که در داخله شد خیلی اسباب زحمت مردم شد و هیچیک از نمایندگان نیستند که از تقلبات اداره تجدید رضائی باشد بالاخره این تجربیات بابایاموزده که برای یک نفع تصویری که احتمال بدیم بره ها گوسفند بشوند گوساله گاوا آنوقت مردم بیچاره را بزحمت میندازیم و بهتر این است که

ممكن این لایحه را پس بگیرند و آقای وزیر مالیه فکری بکنند که اجرای این قانون اسباب زحمت نشود ما بتوانیم رای بدیم والا اگر اینطور باشد ما کاملاً مغالفتیم.

مخبر - آقایان اشتباه می فرمایند که اجرای این موضوع مشکل است در اینجا بنظر کمیون این طور رسیده که فقط به ضبط در گمرک اکتفا بشود.

اگر طریق اجرای این لایحه قسم دیگری میاید همانطور پیشنهاد کنند معلوم نیست که کمیون قبول کند و یک قسمت از پیشنهادات وزارت مالیه را هم چون کمیون عملی ندانست و اسباب زحمت مردم می دید لذا رد کرد اگر چه بضرر دولت بود پس باید این ضرر را تحمل کرد تا مردم راحت باشند حالا اگر عقیده آقایان این است که موافقت کنند و یک قسمت دیگر را هم رد کنند کمیونم شاید موافق باشد ولی گمان می کنم از جلوگیری از کشتن میش و بره آقایان اساساً با کمیون موافقت و ممکن است کمیونم با آقایان موافقت کند که این دو ماده حذف بشود و فقط تبدیل بشود بیک ماده ضبط در سرحد اما این مطلبی است که پس از کشف عقیده آقایان در سایر مواد آنوقت برای شور دوم باید حاضر کنم و به مجلس بیاوریم.

رئیس - آقای گروسی (اجازه)

گروسی - گفته می شود رواج بره کشتی اسباب تضییق حوائج عمومی است باین واسطه دولت باید منع بکند که رفته رفته تکمیلی باغنام و احشام نشود می خواهم عرض کنم آن ها که صاحب بره هستند آن ها منافع و مضرات کار خود را بهتر از همه می دانند در صورتی که می فرمایند یک پوست بره دو قران بیشتر فروش ندارد صاحب بره هم این مطلب را می دانند چه طور می شود که برای دو قران از نشوونمای بره صرف نظر بکنند و بره خود را بدون جهت در کوچکی ذبح کند می خواهم عرض کنم که این اوقات که بره کشتی زیاد شده است جهت دیگری دارد بواسطه کساد در معاملات و داد و ستد و کمی عایدات است و چون استیصال دامن گیر عموم شده است همان نوعی که کسبه و تجار دارائی خودشان را بضرر رنن پس می فروشند و اتانیه خانه را بصرف بچه و عیالشان می رسانند همینطور صاحبان اغنام و احشام هم سرمایه زندگانی خودشانرا از دست لایبی میجویند برای مؤنه زن و بچه بفروشد البته هر کسی منقعت خودش را بهتر از دیگران می داند و گاهی اتفاق می افتد که صاحب بره که چهار گوسفند دارد راه معیشت دیگری ندارد ناچار می شود که آنها را بفروشد برسانند آنوقت ما بگوئیم که چون این اغنام عیب ندارد نباید بفروش برسد البته یک وقتی است که کسی دارد می تواند معیشت خود را تحمل شود ولی یک وقتی که

ندارد ملکش را می فروشد هستش را می فروشد و بصرف معیشت زن و بچه اش می رساند این صاحب بره هم همین حال را دارد تا وقتی که کارد با ستخوانش نرسد اینکار را نخواهد کرد کلیه از هر نقطه نظر ملاحظه کنیم اگر بجای دیگری بر می خورد بخورد همه معنی شرما جایز نیست

مخبر - آقای گروسی اشتباه فرمودند این سالها کشتن بره از سالهای قبل خیلی کم تر است و سالهای پیش خیلی بیشتر کشتار می شد.

و بواسطه همان کشتارهای زیاد که قبلاً میکردند قسمت عمده رهمه اصلاً از میان رفته وقتی که نباشد چندین هزار میش را برای بره های تولی بکشند بدیهی است میش باقی نمی ماند و این ربطی بدارائی و غیر دارائی ندارد و مکرر دیده ایم که چون صاحب بره نفع خود را در بره کشتی میداند از این جهت بره های تولی را کشت می دانند.

رئیس - گفته شد کافی است (مخبر - پیشنهادی اسد از طرف آقای نصیر دیوان قرائت می شود (بعضون ذیل قرائت شد) این بنده پیشنهاد می نمایم که این لایحه مراجعت بکمیون داده شود در آنجا نسبت ب مواد آن مذاکرات لازمه بعمل آورده با موافقت وزارت مالیه مواد آن را اصلاح کرده به مجلس بیاورند که مذاکره شود

رئیس - خطاب با آقای نصیر دیوان در این باب توضیحی دارند نصیر شایان - عرض میکنم آقایان هیچکدام با منع بره کشتی مخالفت ندارند و فقط مغالفت با مواد این لایحه است و عقیده بنده این است که این لایحه بر گردد بکمیون و در آنجا موادش را اصلاح کنند و بعد به مجلس بیاورند.

رئیس - در این باب کسی مخالفت نیست.

مدریس - بنده مغالفت

رئیس - بفرمایید

مدریس - بنده از مذاکرات هیچ فهمیدم که اکثریت در ماده اول این لایحه مغالفتند و در ماده دوم هم در کیفیتش مغالفتند حالا اگر آقایان صلاح می دانند این نظر را تصدیق میکنند داخل در هر دو مواد بشویم ماده اول باید کلیتاً رد شود ماده دوم هم باید اصلاح شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده با اساس این لایحه مغالفت و راجع باین پیشنهاد هم چون در واقع تصدیق و اثبات میکنم راپرت کمیون را از این جهت مغالفت میکنم

رئیس - در باب این پیشنهاد اگر فرمایشی دارید بفرمایید

حاج شیخ اسد الله - بنده با این پیشنهاد مخالفم از نقطه نظر این که این پیشنهاد اثباتی می کند اساس بره کشتی را و با اساس این مطلب بنده مخالفم نه از نقطه نظر اخلاقی اخلاقاً البته تصور می کنم هیچک از افراد بشر که يك قدری حس انسانیت و شرافت در او باشد راضی بشود يك بره که هنوز استفاده کامل از شیر مادر خود یا استفاده از رحم نکرده او را ذبح نکنند و پوستش را برای استعمال بشر تهیه کنند این يك مطلب اخلاقی است که هیچ کس نمیتواند منکر بشود و این چاهم منبر نیست و بنده نمیخواهم موعظه بکنم. این يك مطلب اقتصادی و اساسی و اساس آسایش عامه است و بنده هم اخلاقاً باینه کشتی مخالفم ولی باید در این موضوع داخل شویم و به بینم که صلاح مملکت هست از نقطه نظر اقتصاد و از نقطه آسایش عامه که بره کشتی منع شود بنده از نقطه نظر عامه می بینم که هیچ صلاح مملکت نیست و مجلس شورای ملی نباید يك چنین قانونی وضع کند و اما از نقطه نظر اقتصاد البته همه آقایان اطلاع دارند که پوست بره يك منبع مایه ای و يك تجارت عمده است امروز پوست بره چه نسبت اقتصادات وجه نسبت به واردات باینکه کاملاً بره کشتی ممنوع نبوده است و يك زمان قلیلی (مطابق راپورتی که وزارت مایه میدهد که از نقطه نظر سیاسی بوده است) بره کشتی را منع کرده اند معذالک واردات پوست بره در این مملکت خیلی زیاد بوده تحقیقاً نمیدانم ولی شاید پنجاه یا صد هزار تومان واردات پوست بره در این مملکت بوده و بیشتر واردات هم از طرف ترکستان روس و افغانستان بوده است و از این رو معلوم میشود که علاوه از نقطه نظر صادرات این يك تجارت عمده است که سالی صد هزار تومان فقط عاید دولت میشد و غیر از آن چه که مایه عامه مردم میشد و استفاده هائی که از این راه میکردند و در صورتی که ما این لایحه را تصویب کنیم از نقطه نظر اقتصاد از صادر واردات شاید قریب دولت هزار تومان هر سال بدولت ملت ضرر بزنیم ما باید فقط از نقطه نظر منافع عمومی قانون وضع کنیم

رئیس - این مذاکرات شایع است باصل لایحه است راجع به پیشنهاد اگر قبول دارید بفرمائید

حاج شیخ اسد الله - چون آقای رئیس میفرمائید که این خارج از پیشنهاد است و مذاکره راجع با اساس لایحه است این است که بنده عرض خودم را مکتوم می کنم و عرض میکنم بنده موافقت ندارم با این پیشنهادی که کرده اند یعنی این لایحه مجدداً بکمیسیون برگردد چون اگر مجلس رای بدهد که برگردد بکمیسیون فی الحقیقه تصدیق کرده است که این پیشنهاد صحیح است از این جهت بنده مخالف هستم

در مجلس نباید این پیشنهاد تصدیق کند و اگر آقایان تصدیق کردند که داخل در شور مواد شویم در ماده اول نظریات خودم را نسبت باصل لایحه میگویم که آن هم اسباب بدیعنی بیچاره فقرا خواهد بود

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای نصیر دیوان

نصیر دیوان - بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم

شاهزاده محمد هاشم میرزا - بنده این پیشنهاد را قبول نمیکنم

رئیس - رأی میگیریم راجع به پیشنهاد آقای معین هاشم میرزا که این لایحه برگردد بکمیسیون برای تعدیل نظر و تکمیل جزئیات آن آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند تمام فرمائید

عده قلیلی قیام نمودند

رئیس - تصویب نشد رأی میگیریم که داخل در شور مواد بشویم. آقایانیکه تصویب میکنند داخل در شور مواد بشویم قیام فرمائید

اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود

ماده اول - از نقطه نظر حفظ منافع عمومی در تمام مملکت ایران ذبح بره و بزغال که کمتر از ششماه داشته باشد و هم چنین میش و بز ماده جوان که مستعد زائیدن است مادام که هیب و هلتن نداشته باشد کلی ممنوع است

رئیس - آقای مدرس مخالفند.

مدرس - بلی

رئیس - بفرمائید

مدرس - بنده اساساً عقیده ام این است بره را برای فروختن پوستش نباید کشت اما این ماده را بطوری که نوشته اند از این کار جلوگیری نمی کند و اسباب زحمت مردم هم است خصوصاً نسبت به بز و میش علاوه بز و میش دخلی باین مسئله ندارد و کسی هم بز و میش آستن را نمیکشد بقیه من لفظ بز و میش در این جایز است فقط مقصود بره است و بزغال را هم نمیدانم به چه نامست ذکر کرده اند زیرا پوست بزغال چندان اهمیت ندارد که آن را برای پوستش بکشند و دیگر آن که چون در این جا برای مرتکب مجازاتی معین نکرده اند مخصوصاً خیلی بد است و دیگر حد یقنی برای مأمور ندارد و این کار خیلی بیجوره است که اختیار را بدست مأمور داده اند بنده گمان میکنم که باید این ماده را حذف نموده و يك ماده دیگر که بهدشاید تهیه شده و بنده با سایر آقایان پیشنهاد کنیم و یا خود آقای مخبر قبول بفرمائید و این ماده را عوض کنند ماده بنویسند که منحصراً باشد پانته بره را تا ششماه نباید بکشند و

این سه فقره دیگر که بز و میش و بزغال باشد این سه تارا بکلی باید از این لایحه اسقاط کرد و داعی ندارد و هیچکس اختیار آرزو میش را بکشند مگر آن که مریض باشد یا از زائیدن افتاده و خیلی اسقاط شده باشد و هم چنین بزغال را هم آن قدر ما برای پوستش نمیکشند شاید بجهت چیزهای دیگر بکشند فقط باید ماده را منحصراً بز و بزغال و باقی زیاد است لهذا بنده باین ماده مخالفم مخبر - چنانکه عرض کردم کشتن میش برای بره های تودلی است که هنوز متولد نشده اند حالا ممکن است (اگر بخواهند رعایت بفرمائید) نیک شود که بز و میش های حامله را نکشند اگر چه نظر این بوده است که اصلاً میش و بز ماده کشته نشود ولی حالا که اینطور میفرمائید لافل باید ذکر شود که بز و میش حامله که این بره های تودلی تا وقتی متولد نشده اند و استفاده از رحم و شیر مادر نکرده اند کشته نشوند.

رئیس - آقای حاج شیخ اسد الله (اجازه)

حاج شیخ اسد الله - يك قسمت هر ایضم را قبل از عرض کردم و يك قسمت دیگر که راجع با اساس فقر او منافع عامه باشد در اینجا تذکر میدهم هر پیشنهادی که میشود نسبت به بره امسری اولاد دولت باید متخصمین آن امر و مطمئن از آن قضیه را حاضر کرده و بآنها مشاوره کند و بایک اطلاع کاملی يك پیشنهاد جامع و الاطرافى بمجلس پیشنهاد کند پس از آنکه بمجلس آمد کمیسیون هم باید يك تحقیقاتی کرده و منافع و مضارش را از اهل خبره تحقیق نموده باشد بعد در ضمن راپورت خود تحقیقاتی که کرده و مطالبی که برایش مکشوف می شود کاملاً می نویسد اگر کمیسیون تحقیق کرده بود در موثقی که از مخبر سؤال کردند از کجا می فهمند که بره ششماه شده است البته جواب می دادند که بره ششماه پشم چیده شده است آنوقت در این موضوع دیگر اینقدر مذاکره نمیشد این اختلافات بیان نمی آمد این گفتگوها بواسطه این است که کمیسیون تحقیقات خود را نکرده است و اجع به پیشنهاد قانونی که می خواهند در مملکت وضع کنند اول باید ملاحظه اجرائی را کرده و يك قسمت عمده این قانون که وضع می شود راجع است به سایر فارسى و استان آذربایجان و خراسان البته دولت باید فقط ببینند که وسایل جلوگیری در آنجاها دارد یا خیر

فقط این تمیلات و این صدمات راجع می شود به چهار نفر دهقان و زارع بیچاره که يك گوسفند دارد و بی پاشه و نمیتواند بره خودش را تقویت بکنند یعنی آذوقه ندارد و بیابان هم هنوز سبز نیست و مجبور

است آن بره را بکشند اگر نکشند هم میش و هم بره اش تلف می شود آنوقت مجبورند باین کار را کرد مأمورین مسلح مایه وارد می شوند و باچه سختی ها اسباب زحمت آن بیچاره می شوند آنوقت آن بیچاره در کجا این مطلب را ثابت بکنند و در کجای قانون راجع باین مطلب اشاره کرده اند که اگر چنین موقعی پیش آمد متعرض او نشوند پس همینطور که عرض کردم این قانون فقط برای خاطر هزار نفر یا ده هزار نفر زارع بیچاره بدبخت است و الا وسائل جلوگیری از هزار برای دولت فراهم نیست زیرا دولت در عشار مأموری ندارد که جلوگیری بکنند و آنها بره های خودشان را می کشند پوستش را هم بواسطه تجارتخانه های خارجی حمل می کنند حالا اگر قانون مملکتی وضع شود و تجارتخانه های خارجی هم نتوانند بخردن این يك مطلبی است علیحده ولی با وجود این حمل می کنند و آن بدبختی که چهار تا گوسفند دارد متصل در عذاب است و اما از این نقطه نظر که تصور می فرمائید جلوی از بره کشتی سلب تکنیر می شود خیر این طور نیست! و متخصمین و مطمئن این مطلب را می دانند که فایده گوسفند داری فقط بشکنید عده نیست بلکه بنگاهداری و توجه و تربیت است بسا هست که اگر يك نفر صد رأس گوسفند داشته باشد بهتر میتواند استفاده از شمش و گوشت او بکنند و وسائل تمیش آنها را فراهم کنند تا پانصد رأس گوسفند آن صدتا می مانند و این پانصدتا تلف می شوند برای اینکه در زمستان آذوقه لازم دارند و وسائل نگاهداری آنها را باید فراهم نمایند و زارع بیچاره مثل عشار بلاق و قشلاق ندارد و فقط در آبادی سکنی دارند باید در پاییز آذوقه زمستان ریه خود را تهیه نماید بهر حال چون بنده میدانم که این قانون وضع شود (از نقطه نظر حفظ آسایش موکلین خود عرض می کنم که سختی و فشار به دهقانی بیچاره وارد می آید و فقط به آنها پشم چیده شده است آنوقت در این موضوع دیگر اینقدر مذاکره نمیشد این اختلافات بیان نمی آمد این گفتگوها بواسطه این است که کمیسیون تحقیقات خود را نکرده است و اجع به پیشنهاد قانونی که می خواهند در مملکت وضع کنند اول باید ملاحظه اجرائی را کرده و يك قسمت عمده این قانون که وضع می شود راجع است به سایر فارسى و استان آذربایجان و خراسان البته دولت باید فقط ببینند که وسایل جلوگیری در آنجاها دارد یا خیر

در مواد یکی یکی مذاکره بشود راجع به سن خود حضرت تعالی فرمودید که چه شکل می توان فهمید کلیه بره را از اول تا يك ماهه و کمتر از يك ماهه برای پوستش می کشند اگر يك ماهه زیادتر باشد آن قدر ها اهمیت ندارد

از طرف دیگر که می فرمائید این کار برای زیادی بره فایده ندارد بنده عرض می کنم باید بالاخره گوسفند باشد تا نگاهداری کنند یا خیره کس گوسفند را که نمی شود تربیت کرد باید همین گوسفند باشد تا زیاد شود و فایده داشته باشد اگر اجازه بدهید که بره بکشند دیگر چیزی نخواهد بود که نگاهداری بکنند و در قسمت دیگر هم آقایان موافقت که میش آستن نباید کشته شود و اگر مخالفی بود در طرز اجرائی بود جناب عالی می فرمائید که مخالفت نکنند برای اینکه يك تجارتی از این راه بشود بنده عرض می کنم هیچ تجارتی هم نخواهد شد آن روز که يك تحقیقات و تحقیقات کاملی می شد تجارت پوست ارسالی چهل پنجاه هزار تومان تجاوز نمی کرد ولی همین مطلب مقدار زیادی خسارت از حیث آذوقه بردم وارد می آورد و هنوز هم جای آن پر نشده است و اگر هم در این لایحه اختلافی هست در طرز اجرای آن است

ولی در اصل موضوع گمان نمی کنم مخالفی باشد

رئیس - گویا آقای حائری زاده مخالف باشد

حائری زاده - بلی

رئیس - بفرمائید

حائری زاده - بنده اصلاً موافقم که تربیتی پیش آورد که برای تمین گوسفند های کوچک را نکشند و میش آستن را نکشند که ارزاق عمومی به تنگی بیفتد ولی چون خیلی دیده ایم مأمورین دولت در مورد اجرای قوانین سوء استفاده می کنند و اختیارات خود تولید زحمت می کنند بخصوص که در ماده ه می نویسد (دولت نظام نامه برای اجرای این لایحه معین خواهد کرد)

در اینصورت ممکن است فردا هر رهیتی خانواده اش از دست مأمورین دولت در زحمت باشد باین عنوان که پوست بره کمتر از ششماه را تقشیش می کنند که پیدا کنند تجریبات گذشته بما ثابت کرده که هر قدمی را که از نظر مصالح عمومی بر می داریم از سوء استفاده مأمورین دولت بکس نتیجه می بخشد

مثلاً قانون تعدیل تریاک ابتدا بجهت منع استعمال تریاک در داخله و وسعت تجارت

خارجی وضع شده ولی امروزه بکس نتیجه نبخشیده است مثلاً قانون تعدیل تریاک ابتدا بجهت منع تریاک و استعمال در داخله و وسعت تجارت خارجی وضع شده

ولی امروزه بکس نتیجه نبخشیده است جلو تجارت خارجی را گرفته اند و استعمال داخلی وسعت پیدا کرده است در مملکتی که اعلان می کنند (هر کس يك قران دزدی کرد بدون استعطاق اعدام می شود)

چطور ما می توانیم چنین اختیاری را بمأمورین دولت بدهیم که برای جلوگیری از کشتار بره در مقام تقشیش بر آید باینجهت من ماده اول را خوب نمی دانم بواسطه سوء رفتاری که مأمورین دولت دارند اسباب زحمت مردم بیچاره می شود

چنانکه دیدیم مرضی که برای گاو ها پیدا شده بود هر صاحب گاوی که مأمور صحیه را راضی می کرد گوشت گاوش حلالی برد و هر صاحب گاوی که مأمور صحیه را راضی نمی کرد گوشت گاوش را باید دفن بکنند و يك میلی هم برای ضد عفونی آن باید بدهد و این ماده را هم اگر تصدیق بکنیم در موقع حمل همینطور خواهد شد لذا من موافق نیستم

رئیس - آقای حاج میرزا مرضی هم مخالفند

حاج میرزا مرضی - بلی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب چهارم

آقا سید یعقوب - بنده موافقم و راجع باین ماده که آقای مدرس فرمودند این عبارت که نوشته شده است بکلی ممنوع است (یا بعضی آقایان نمایندگان دیگر همچو بیان کردند) که این معانی که نوشته است و حکم مجازات را معین نکرده است مطلق است بنده گمان می کنم کسانی که واروده اند در طرز تحریر قوانین این ایراد را غیر وارد بدانند چرا برای این که هر مقننی که حکم می کنند فلان چیز ممنوع و حرام است این درجه اول است پس از آنکه بیان کرده و گفت ممنوع است آنوقت می گوید اگر کسی این ممنوع را مرتکب شد فلان مجازات را دارد پس ما نمی توانیم بگوئیم که این ماده فطاست برای این که ذکر مجازات کرده اند زیرا ماده اول فقط بیان می کند که این کار ممنوع است و در ماده بعد مجازات و جریمه آن را تعیین می کند یعنی باصطلاح اهل فن و منطقی می گوید این کار دارای فلان قالی فاسد است که اگر کسی مرتکب همچو امری شد باید پوست بره آن در گمرک ضبط شود یعنی مجازات او همین

است و از این که آقایان متصل داد می زنند که مأمورین دولت غلاظ و شدادند و در روزنامه جات می نویسند که فلان طوره بنده خیلی تعجب می کنم زیرا با این بیانات که می کنم پس ما باید دیگر قانون وضع نکنیم و کلیه قوانین را در مملکت بپردازیم آقایان اگر مأمورین دولت بد عملند باید آنهارا در تحت محاکمه مجازات آورد نه اینکه چون فلان مأمور دولت چنین کاری کرده است ما هم نباید وضع قانون نمانیم بلکه ما باید با کمال عدالت و نصیحت قوانین وضع نمانیم و مأمورین اجرای قانون را در تحت مسئولیت قرار بدهیم یعنی قانون مجازات ترتیب می نمانیم نه اینکه بکلی اصل قانون را از بین ببریم این کار بر خلاف منطقی و دلیل است

در این ماده می نویسد کشتن بره ممنوع است و اگر کسی بره را کشت مأمورین دولت مکلفند در سرحدات اگر این پوست را دیدند ضبط نمایند البته بعد از اینکه شخصی دانست اگر بره را بکشد پوست او ضبط خواهد شد دیگر بره را از جهت پوستش نخواهد کشت و ما هم از این مسئله راحت خواهیم شد و اما در جواب آقای حاجی شیخ اسد الله که می فرمائید چون ما در ایالات مأمورند داریم اگر قانونی در این خصوص وضع کنیم در ایالات اجرا نخواهد شد و بالتبعیه اصلاً نباید چنین قانونی وضع نمانیم بنده عرض می کنم مطابق فرمایشات ایشان پس ما نباید مالیات هم وضع کنیم زیرا باید بگوئیم در ایلات مأمورند داریم و ایلات مالیات نمی دهند و قانون وضع بکنیم مگر اینکه بدانم تمام احکامش نسبت بصغیر و کبیه و سیاه و سفید اجرا خواهد شد اگر این طور باشد باید استغفرا له بگوئیم که قانون بیغبران هم ناقص است زیرا وحشیان نماز نمی خوانند پس این دلیل کافی نیست و مجلس باید وضع قانون کند و دولت را مأمور و مسئول اجرائی آن نماید و همینطور باز آقای حاج شیخ اسد الله فرمودند مملکت است مأمورین باید بروند با فلان خان یا فلان بك سازش نمایند و بره را کشته پوست آنرا ضبط نمایند و باین ترتیب نباید این قانون را وضع نمانیم جواب این قسمت همان طور است که قبلاً گفته شد یعنی ما نباید بلا حلقه يك فرد نادانلوقومی از وضع قانون خودداری نمانیم و باعث اختلال کارهای مملکت شویم تماماً تصدیق داریم که کشتن بره ارزاق عمومی را کم میکند بنا بر این باید قانونی وضع کرد که از این مسئله جلوگیری نماید

اگر ما مجازاتی برای این کار قرار نمی دادیم ممکن بود بنده هم با آقای مدرس و سایرین موافقت کرده و بگویم چون مجازاتی معین نکرده ایم ممکن است همین مسئله باعث سوء استفاده مأمورین

مالیه گردد در صورتی که در ماده دوم همین لایحه مجازاتش معین شده است مانع از زیادداری مأمورین دولت خواهد شد و آن مجازات این است که پوست بره در سرحد ضبط شود گمان می کنم تمام ماها عقیده مان این بود هست که بره را نباید کشت تا سلب زیادی اغنام و احشام مملکت گردد و مسلماً اگر اغنام و احشام ما زیاد شود انتفاهی که از حیث تجارت خارجی می بریم زیادتز خواهد شد

زیرا ما می توانیم آنها را کله کله در سرحدات بخارج بفرستیم در این صورت علاوه بر اینکه تجارت ضررنمی رساند ارزاق عمومی هم تأمین خواهد شد و از حیث مجازات هم بنده پیشنهاد می کنم غیر از ضبط پوست آنهم در سرحد نه در داخله مملکت مجازات و تقشیش دیگری شاید برای آن قرار داده شود و این ترتیب هم يك ترتیب و ماده کس داری نیست که مأمورین مایه هر نوع بخواهند اعمال غرض بکنند و وضع آن هم اشکالی نخواهد داشت

رئیس - آقای نظام الدوله (اجازه)

نظام الدوله - بنده چون به تطویل کلام قائل نیستم عرض می کنم يك جمله شاهزاده اقبال السلطان فرمودند که بنده مجبورم جواب عرض کنم حقیقتاً عرض بنده این نبود که نیایستی از پوست بره مالیات گرفت و بره کشتی را آزاد گذاشت لیکن می توانم بگویم که اگر حقیقاً ملت ایران هوا خواه دولت و حکومت وقت خود می شود با این رفتار مأمورین دولت حق داشتند مالیات نهند

ولی حالا که ملت ایران هوا خواه دولت است دولت حق ندارد مردم را در تضییق و فشار بیندازد و تصدیق می فرماید این رفتاری که از طرف دولت نسبت به مردم میشود رفتاری عادلانه نیست و تمام فرمایشاتی که آقایان فرمودند هر کدام بجای خود صحیح است تا ببال در این مملکت ترتیبی معمول بوده و این قانون هم وضع شده بود بازم زیادتر از اندازه احتیاج رحمت بره نگاه نمی داشت.

حالا این مسئله اینکه ما اهمیت ندارد که دچار این قبیل مذاکرات شویم بنده عقیده ام این است همانطور که آقای مدرس فرمودند حالا که کلیات این مسئله لایحه تصویب شده است اگر در پیشنهاد آقای مدرس مذاکره شود بهتر است

مخبر - می خواهم عرض کنم که سوء تفاهمی نشود آقای نظام الدوله اشاره بوضع مالیات کردند در اینجا هیچ ذکرى از وضع مالیات نیست بلکه جلوگیری از

هدی است که ضرر او متوجه بعامه می- شود و اگر در این مدت عایداتی از این راه از برای دولت بوده خود دولت حاضر شده است از آن عایدات صرف نظر نماید تا این کار تکرار نشود

رئیس - آقای میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - عقیده بنده برای يك ضرر جزئی نمی شود از يك منفعت کلی دست کشیدو این قضیه اگر برای بعضی دهاتی اسباب ضرر باشد در مقابل منافع کثیری دارد

ولی این مسئله باید تفکیک شود راجع بیره کشی همانطوری که نوشته شده باید اجرا شود

ولی راجع به بز و میش هر چه نوشته باید این ماده حذف شود زیرا اگر راجع با آنها مذاکره می کنیم باصطلاح کاسه در آتش گرم تر شده ایم برای اینکه خود صاحبان آنها یقیناً از ما خیلی بیشتر نسبت بافنام خود دلسوزی دادند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا موافقت

محمد هاشم میرزا - خیر مخالفم رئیس - آقای آقا میرزا سید - حسن کاشانی

(اجازه)

آقا میرزا سید حسن کاشانی - بنده عرض می کنم چون وقت مجلس منتتم است بعقیده بنده بهتر این است که ماده اول برگردد بکمیسیون و اصلاح شود پس از اصلاح دوم تر به مجلس بیاید

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

گمان می کنم فرمایشاتی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند هیچکدام عملی نباشد مانگفیم قانون را باید وقتی بگذرانیم که تمام مردم تصدیق و اجراء نمایند بلکه گفتیم قانون را وقتی باید وضع نمود که موجب اجرائش فراهم باشد نظر به تهران نباید کرد که طیب قصاب خانه دارد و قصاب هایش مجبورند مراعات بعضی نظامات را بکنند ولایات دیگر ایران این طور نیست آقایان اغلب رفته اند و دیده اند در ولایات ابتدا این قانون قابل اجرا نیست و اینکه آقایان می فرمایند همین بره کشی در سال مجابه و سختی و گرانی عمومی چندین هزار نفوس را بی آذوقه گذارد باید دانست که گوشت را در آن سال امراض گوسفند و غیره کم کرد و اغنام را آن مرض کشت نه بره کشی دیگر این که همه قسم بره را نمی شود حفظ کرد و نکشت بعضی اوقات میشود که يك میش دو بره می آورد و با اینکه بواسطه علتی که در پستان دارد نمی تواند بره را شیر بدهد البته در این صورت نمی شود آن بره را

بی شیر گذارد و باید هم نمی شود برای آن ها گرفت این است که مجبور میشوند آنهارا بکشند بنا بر این نباید خیال نمود که تمام برهه را برای پوست آنها می کشند و اینکه بنده عرض کردم وزارت مالیه صورت بدهند که در سال های اخیر چقدر پوست بره از سرحد خارج شده است برای این بود که گمان نمی کنم مطالبی که اینجا مذاکره شد راجع به سال های اخیر باشد بلکه راجع به قبل از جنگ عمومی است همان چهل هزار تومانی را که می فرمایند از این راه استفاده شد اگر حال باشد گمان نمیکنم بتوانند چنین استفاده از این راه بنمایند پوستهای تجارتي که سابقاً هر جلدی پانزده تومان قیمت داشت حالا در داخله مملکت همان پوست ها دانه بیست قران خرید و فروش میشود و گمان می کنم حقیقتاً يك نتیجه خوبی از وضع این قانون نبریم در صورتی که دوازده سال قبل وقتی برای کم شدن عده تریاکبازان این مملکت قانون جدید وضع کردیم خیال می کردیم همینکه این قانون وضع شد دیگر کسی تریاک نخواهد کشید و از عده مبتلایان باین مرض کاسته خواهد شد آیا در ظرف این دوازده سال چقدر از مبتلایان تریاک کم شده اند مسائل فرضی فریاد مسائل عملی است و گمان می کنم اگر يك گمرك صدو هفتاد و پنج هم به پوست بره ببندیم باندازه این مسئله جلوگیری نخواهد کرد در سنه ۱۳۲۰ يك تلگرافی از تهران بتمام ولایات مخابره نمودند که طور را نباید بکشند همین تلگراف باعث شد که مامورین دولت در هر دمی که می رفتند بیست تومان و پنجاه تومان بتفاوت پول می گرفتند آن روز هم اگر بره کشی منع شود در هر دم مامورین دولت از دو تومان و سه تومان یا بیشتر هر قدر بتوانند از مردم خواهند گرفت و با وجود این هیچکس هم اعتنائی نخواهد کرد این ها چیزهاییست که خیالی و در روی کاغذ است و جز اجرا نشدن و اسباب زحمت فراهم نمودن نتیجه دیگری ندارد و بنده کاملاً مخالفم ولی در باب اضافه گمرك موافقم

رئیس - آقای وحید الملک موافقت یا مخالف؟

و حید الملک - موافقم رئیس بفرمائید و حید الملک اگر بنده عرض کردم موافقم یکی از برای این بود که ترجیحاً با این لایحه و با این ماده اظهار موافقت نموده باشیم

رئیس بنده خیال می کردم برای نطق کردن اظهار موافقت نمودید

و حید الملک دلیل دیگر موافقت بنده برای ترجمه آن حیوانات بدبختی است

که با آن ترتیب ذبح می شوند بنده در این موضوع تخصیص ندارم و متأسفانه نه پیشهادی که از طرف دولت شده و نه راپرت کمیسیون قوانین مالیه هیچ کدام اطلاع مرا زیاد نکرد ولی در اینکه بره کشی بدست و اساساً بنده و اکثریت مجلس با ذبح بره مخالفم جای هیچ تردیدی نیست این پیشهاد که شد که لایحه بر گرد بکسیون و بنده هم یکی از رای دهندگان بآن پیشهاد بودم برای این مطلب بود که می ترسیدم این مسئله باین ترتیب مورد توجه واقع شود و شاید رد شود این بود که بنده جد و اصرار داشتم که این لایحه برگردد بکمیسیون و در آنجا تجدید نظری در آن شده بعد از آن بهجلس بیاید متأسفانه آن پیشهاد رد شد و داخل در شور مواد شدیم ماده اول روح این لایحه است و عمده اهمیت این لایحه در ماده اول است آقای مدرس فرمودند این ماده رد شود داخل در مواد و موضوع های دیگر شویم زیرا روح این لایحه از بین می رود برای این که هم در لایحه هم از پیشهاد کمیسیون در ماده اول ذبح بره قذف شده است و در ماده بعد طریق اجرای این قذف معین مینماید

اینکه عرض کردم تماماً این لایحه موافقم حقیقتاً همینطور هست چطور می توان راضی شد و چگونه انصاف اقتضای نماید که بره های شیری بدون اینکه از ایام طفولیت خودشان استفاده نکنند برای استفاده از پوست آنها در رحم مادر کشته شوند این مسئله از عالم بشریت خارج است در صورتیکه این قانون ذبح بره را قذف میکند بنده با پیشهاد دولت موافقم که باید يك جریمه سختی برای ذبح کننده بره قرارداد از این نقطه نظر بنده واپرت کمیسیون را رد و پیشهاد دولت را قبول می کنم و قائل می شوم باینکه باید برای اینکار جریمه قرارداد ولی يك مطلبی هم هست راجع بمنافع عمومی بنده عرض کردم می توانم به بینم که اگر ذبح بره قذف شود و از طرفی يك منافی برای عامه حاصل خواهد شد ولی از طرف دیگر در اینکه ضرر هائی هم بتجاری که بخارجه حمل پوست میکنند وارد می آید جای تردید نیست ولی گذشته از اینها معلوم است منافی که از منافع ذبح بره متصور است چون بیش از سایر منافی است که از ذبح آن تصور می شود لذا از این نقطه نظر بنده اجرای این قانون را چون مشکل نمی دانم بلکه خیلی سهل و ساده می دانم همه آقایان می دانند بره را که می کشند از برای استفاده گوشت نیست بلکه برای استفاده از پوست آن بره است و پوست آنهم در داخله مملکت مصرف فروش نمیرسد اگر هم استعمال شود خیلی کم است و غالباً پوست بره بخارجه حمل پوست می کنند وارد می آید جای تردید نیست ولی از صادرات آنرا تشکیک می نمودم بنده برای

وزارت مالیه بتوسط اداره گمرك يك مالیات و گمرك زیادی بر پوست بره بگذارند همین کار يك جلو گیر خیلی مهمی از ذبح بره خواهد نمود و بنده در این مسئله ابتدا تردیدی ندارم مثلاً گمرك صدی هفتاد و پنج که سهل است بلکه صدی سصد و صدی چهار صد همان طور که دول امریکا گمرك سختی روی بعضی صادراتشان می گذارند ما هم می توانیم صادرات خودمان ممکن است يك گمرك خیلی زیادی بگذاریم و از هیچ چیز هم نباید بترسیم این يك اقدامی است عملی و هیچ ظلمی هم از این راه با حدی وارد نخواهد آمد آنوقت پوست بره که بخارجه نرفت عمل ذبح بره قذف می شود این مسئله همانطور که عرض کردم از نقطه نظر منافع عمومی و علاوه يك نظر دیگری هم هست و آن نظر احساسات بشری است که برای جلو گیری از ارتکاب چنین عملی بنده ماده اول لایحه دولت را تصدیق میکنم و با هر يك جریمه خیلی سختی برای مرتکبین آن قرار داد بنا بر این خوب است بطور کلی مادرماده اول بره کشی را قذف کنیم و بعد يك جریمه برای کشته و فروشنده و خریدار هر سه معین و هیچ هم از تعهدات مامورین دولت نترسیم اگر چه بنده خودم در این مقام راجع بمأمورین خودمان بعضی هرايش کردم و عقیده ام این است که بعضی احتیاجات و تعهدات از طرف آنها می شود ولی ممکن است طوری این جریمه را قرار دهیم که در اجرای آن این ظلمها و اجافات وارد نیاید باین ترتیب که اولاً يك جریمه ای برای کشته بره شیری خریدار و فروشنده آن قرار بدهیم و ثانیاً يك گمرك فوق العاده بر پوست بره معین نائیم تا اینکه این رشته تجارت موقوف شود و بره ها از برای حفظ منافع عمومی در داخله مملکت محفوظ بمانند بازم تکرار می کنیم که این لایحه بطریقی که نوشته شده میترسم بواسطه اکثریت مخالفین رد شود و دچار مشکلاتی گردید این است که از هر مرحله از مراحل باز می گردیم بهمان می توانم به بینم که اگر ذبح بره قذف شود و از طرفی يك منافی برای عامه حاصل خواهد شد ولی از طرف دیگر در اینکه ضرر هائی هم بتجاری که بخارجه حمل پوست میکنند وارد می آید جای تردید نیست ولی گذشته از اینها معلوم است با اکثریت تمام و تمامی این لایحه بگذرد

وزیر مالیه - مجبورم توضیح عرض کنم که يك حس رأفت محرک این پیشهاد دولت نشده است نقطه نظر دولت رعایت رفاه حال عموم و حفظ جنس بره بود برای این که از ابتداء جنگ مطابق اطلاعاتی که در وزارت مالیه و اداره گمرك است از شمال ایران ملیونها میش و گاو و گوسفند برای روس ها خارج می شد و بعد هم از نتیجه تقطی یکمده زیادی از گوسفندا پاک شده و پانلف شده اند بنا بر این این لایحه برای رفاه عامه

پیشهاد شده مطابق اطلاعاتی که از اداره گمرك تحصیل نموده ام در هر سال تقریباً سیصد هزار پوست بره از سرحدات خارج میشود بدیهی است اگر يك ترتیبی برای جلو گیری از کشتار بره داده نشود گوشت در مملکت فراوان خواهد شد و هم تجارت مملکت ترقی خواهد نمود و ممکن است اطلاعات کافی تری راجع به تعداد و مقدار آن در شور دوم بعرض برسانم

مرئضی

(اجازه)

حاج میرزا زهر قصبی - بنده تصور می کنم مقصود اصلی دولت فقط قذف از کشتن بره است و تقریباً بز و میش و گاو طردا الباب ذکر شده زیرا اشخاصی که دارای بز و میش و غیره هستند تماماً نسبت بافنام خودشان خیلی دلسوزتر از ماها هستند و تا يك امر فوق العاده نباشد نه آنها را می فروشند و نه میکشند از این نقطه نظر بنده تصور می کنم همان - طور که آقای مدرس فرمودند این کار را تخصص بدهیم بکشتن بره کوچک و بز و بزغاله را از این لایحه اسقاط کنیم اما مسئله که فرمودند اگر چنانکه کسی بز و میش یا بزغاله را کشت جریمه او در این ماده بد معین شده و پوست در گمرك ضبط خواهد شد

بنده تعجب می کنم این چه قسم جریمه می باشد اولاً این پوست ها در داخله مصرف می رسد و بر فرض هم که بخارجه حمل شود در گمرك ضبط گردد پوست آنها دانه يك قران بیشتر نیست و فایده از ضبط آن مقصود بنا بر این این يك جریمه نمی شود و منع کردن کشتن بز و میش بدون اینکه برای کشته آن يك جریمه معین شده باشد بنده نمی دانم چه مفهومی دارد از این نقطه نظر بنده مخالفم و بعقیده بنده باید بحال کشتن بره جوان قذف شود و بز و میش حذف شود

مخبر - بنده خواهش میکنم پیشهاد آقای مدرس قرائت شود تا شاید مذاکرات ختم شود

رئیس - پیشهادت پس از کافی بودن مذاکرات قرائت می شود آقایان قی و سلطان - الملهاء مخالفند؟

رئیس آقا میرزا ابراهیم قصبی - بله

رئیس - آقای ملک الشعراء چه طور؟

ملک الشعراء - بنده عرضی ندارم

رئیس - پیشنهادات آقایان قرائت می شود

(پیشهاد اول بمضمون ذیل قرائت شد) پیشهاد می کنم بجای تمامه واد نوشته شود کشتن بره کمتر از ششماه خصوصاً تودلی ممنوع است و پوست او در سرحد ضبط دولت می شود

(امین الشریعه - مدرس - محقق - میرزا علی کازرونی)

رئیس - پیشهاد آقای عماد السلطنه خراسانی قرائت می شود

(بطریق ذیل قرائت شد) ماده اول رابنده بطریق ذیل پیشهاد میکنم)

نظر باینکه معمول شده است که عموماً بره ها را در ماههای بهار که زیاد از دوسه ماه ندارند کشته می شود این عملیات مضر با رزاق عمومی است لذا کشتن بره تا ماه سرطان ممنوع است

(عماد السلطنه خراسانی) (پیشهاد آقای معتمد السلطنه قرائت می شود)

(شرح ذیل قرائت شد) برای جلو گیری از بره کشی دو ماده ذیل را پیشهاد می نمایم ماده اول - برای حفظ منافع عمومی در کلیه مملکت بره کشی ممنوع خواهد بود

معتمد السلطنه - دو ماده است رئیس - ماده دومش راجع به مجازات است و در ماده دوم باید قرائت شود - آقای مدرس توضیحی دارید؟

مدرس - بلی چنانچه آقایان فرمودند بز و میش و بزغاله باید مستثنی شود بر طبق به مسئله ندارد بنده هم يك مقداری برای احتیاجات داخله معتقدم باید قهر آ کشته شود یا برای احتیاج بگوشت آن و یا اینکه مرض است فقط چیزی که هست ممکن است از کشتن بره که پوست آن بخارجه حمل می شود جلو گیری کرد بدون اینکه زحمتی برای عموم حاصل شود در این ماده نوشته شده هر جا پوست بره به بیند بگیرند اگر بنا شود این مسئله عمومیت داشته باشد آن وقت اگر فرضاً بنده مثل امسال ناخوش بشوم و يك کلیچه پوست بره پوشیده باشم و مأمور بیاید بگیرد این پوست بره را از کجا آوردی هر چه نشان بدهم که از فلان دکان خریدم قبول نمی کند اما اگر در داخله ضبط نشود از دو حال خارج هست یا حمل آن بخارجه صرف میکند و یا صرف نمی کند بنا بر این خوب است همانطور که نظر بعضی هست يك گمرك زیادی روی آن بگذارند آنوقت اگر بازم صرف کنند و خرید و فروش شود چه عیب دارد يك نفعی هم عاید دولت میشود و اگر صرف نکرد البته تاجر نخواهد خرید و وقتی هم که تاجر نخیرد مردم بره را نخواهند کشت این مقدار ممکن است جلو گیری شود و زحمتی

هم بر ارضی وارد نخواهد آمد و بنده این قسم را عملی نمی دانم و همانطور که کمیسیون گوساله را مستثنی کرده باید بز و میش را هم مستثنی کند و فقط از کشتن بره جوان و صدور پوست آن جلو گیری کرد و این مسئله هم نظر بصلاح عمومی است زیرا اگر کسی بخارجه برود می بیند که در این انقلابات اخیر گوسفند و غیره خیلی کم شده است و تکلف ما و دولت آنستکه برای مصلحت عمومی از این ترتیب جلو گیری نمایم این است که بنده این پیشنهاد را کردم و اگر آقایان قبول بفرمایند دیگر محتاج بنظام نامه نیست و یکی از کارهایی که باید در این دوره بکنیم همین است که باید خیلی اهمیت بدهیم با اینکه هیچ قانونی محتاج بنظام نامه دولت نباشد زیرا این نظام نامه دولت قانون را جمعی کند و بقدری صدمه بر مردم وارد می آورد که قابل گفتن نیست اینست که باید کاری کنیم که قوانین محتاج بنظام نامه و تفحص نباشد اگر این ترتیب نباشد گمان نمیکنم دیگر محتاج باین باشیم که سه ماه یا چند ماه اعلان کنیم و مدت قرارداد هم زیرا در خود داخله مملکت هم یک مقداری محتاج پوست بره هستند و کلاه می سازند و خیلی هم بهتر است از اینکه از خارجه پوست می آورند و کلاه ترتیب بدهند این است که اگر آقایان این پیشنهاد را قبول بفرمایند دیگر مذاکرات هم کافی خواهد بود

معتمد السلطنه - بالاخره نظر آقای مدرس و امضاء کنندگان این است که يك ماده مخصوص برای منع کشتار بره و بزغاله و میش ذکر نشود و همین قناعت شود که هر قدر پوست بره از سرحد خارج شود ضبط دولت گردد اساساً کمیسیون هم باین نظریه موافق است بنا بر این ممکن است این پیشنهاد بجای ساده اولو دوم قرار داده شود و لیکن ماده سوم و چهارم مختصر مذاکره لازم دارد

رئیس - درباره این پیشنهادات امروز رأی نمی گیریم ناماً ارجاع بکمیسیون می شود آقای عماد السلطنه خراسانی توضیحی دارند

عماد السلطنه - چون مقصود از ماده اول اینستکه بره که کمتر از ششماه داشته باشد کشته نشود و اگر قرضاً کشته شد نمی توان تشخیص داد که این بره ششماه است یا کمتر و یا بیشتر اینستکه چون عموماً ذبح بره را از اوایل حوت شروع و تا اواخر سرطان که تقریباً ششماه خواهد بود خانه می باید بنا بر این اگر در اینند ذبح بره قذف شود هم این ماده اجراء شده است و هم نظریه آقایان که می فرمایند میش و بره را نمی شود تشخیص داد تا این خواهد بود هیچ زحمتی هم برای اهالی فراهم نخواهد شد

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای آقا میرزا ابراهیم قصبی شده است قرائت می شود

(بمضمون زیر قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم بجای مواد این طور نوشته شود برای حفظ منافع عموم ذبح بره که برای استفاده از پوست کشته می شود در کلیه مملکت ایران ممنوع است و رئیس - آقای قصبی توضیحی دارید بفرمائید

آقا میرزا ابراهیم قصبی - همان طور که گفته شد صاحب گوسفند و گله دار از همه کس بیشتر منافع خودش را منظور می دارد و گله دار بز و میش و گوسفند را تا مرض نشده باشد یا از بزرگ بویت نیاخندنی کشتد زیرا از آنها شیر - روغن - پشم - ماست می گیرند از گوسفندی که این اندازه استفاده می کند ممکن نیست آنرا بکشند مگر وقتی که مرض شده باشد مثل زمان گاو میری و البته در آنوقت اگر آنها را نکشند از پوستشان محروم خواهند شد - اما راجع بیره تودلی کسی ندیده است که پوست آن خوب است باید ولی ممکن است مادرش و مرض شود آنوقت اگر مادرش و کشتند پوست بره تودلی آنرا هم می فروشد در بعضی دهات خیلی از گوسفندا هستند که مرض يكی می گیرند و در عین اینکه گوشتش هیچ عیب پیدا نمیکنند و ممکن است از گوشت آن استفاده نموده یکدفعه می افتند میبرند و اگر آنها را حلال نکنند از استفاده از آن محروم میشوند و بره تودلی هم همیشه قابل استفاده نیست زیرا از میان سی یا بیست بره ممکن است فقط پوست یکی از آنها خوب باشد و همچنین مثلاً کسی میش آ بستن را به هشت تومان میخرد وقتی بچه اش بدنایم آید می بیند او دوازده تومان میخرد و اگر شش ماه دیگر او را نگاهدارد و پنج تومان ارزش دارد در اینصورت او را می کشد بنا بر این همانطور که فرمودند باید پوستها در گمرك ضبط شود و الا هر ترتیب دیگری استفاده فرمایند تولید اشکال و زحمات هدیده خواهد نمود زیرا ممکن است اتفاق بیفتد یای بره یا عضو دیگرش عیب کند و مجبور شوند او را بکشند پس از کشتن پوستش دو قران قیمت داشته باشد آنوقت اگر این پوست را هم ضبط کنند گمان می کنم صحیح نباشد باید دستور پوست های قابل استفاده را منع نموده باقی اهمیتش ندارد

رئیس این سه فقره اصلاح بکمیسیون ارجاع می شود پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا و آقای صدرائی راجع به ماده دوم است بالعکس گویا آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس داده شود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - مساده دوم قرائت می شود

رئیس - آقا میرزا ابراهیم قصبی شده است قرائت می شود

(بمضمون زیر قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم بجای مواد این طور نوشته شود برای حفظ منافع عموم ذبح بره که برای استفاده از پوست کشته می شود در کلیه مملکت ایران ممنوع است و رئیس - آقای قصبی توضیحی دارید بفرمائید

آقا میرزا ابراهیم قصبی - همان طور که گفته شد صاحب گوسفند و گله دار از همه کس بیشتر منافع خودش را منظور می دارد و گله دار بز و میش و گوسفند را تا مرض نشده باشد یا از بزرگ بویت نیاخندنی کشتد زیرا از آنها شیر - روغن - پشم - ماست می گیرند از گوسفندی که این اندازه استفاده می کند ممکن نیست آنرا بکشند مگر وقتی که مرض شده باشد مثل زمان گاو میری و البته در آنوقت اگر آنها را نکشند از پوستشان محروم خواهند شد - اما راجع بیره تودلی کسی ندیده است که پوست آن خوب است باید ولی ممکن است مادرش و مرض شود آنوقت اگر مادرش و کشتند پوست بره تودلی آنرا هم می فروشد در بعضی دهات خیلی از گوسفندا هستند که مرض يكی می گیرند و در عین اینکه گوشتش هیچ عیب پیدا نمیکنند و ممکن است از گوشت آن استفاده نموده یکدفعه می افتند میبرند و اگر آنها را حلال نکنند از استفاده از آن محروم میشوند و بره تودلی هم همیشه قابل استفاده نیست زیرا از میان سی یا بیست بره ممکن است فقط پوست یکی از آنها خوب باشد و همچنین مثلاً کسی میش آ بستن را به هشت تومان میخرد وقتی بچه اش بدنایم آید می بیند او دوازده تومان میخرد و اگر شش ماه دیگر او را نگاهدارد و پنج تومان ارزش دارد در اینصورت او را می کشد بنا بر این همانطور که فرمودند باید پوستها در گمرك ضبط شود و الا هر ترتیب دیگری استفاده فرمایند تولید اشکال و زحمات هدیده خواهد نمود زیرا ممکن است اتفاق بیفتد یای بره یا عضو دیگرش عیب کند و مجبور شوند او را بکشند پس از کشتن پوستش دو قران قیمت داشته باشد آنوقت اگر این پوست را هم ضبط کنند گمان می کنم صحیح نباشد باید دستور پوست های قابل استفاده را منع نموده باقی اهمیتش ندارد

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - در هر جا پوست بره که کمتر از شش ماه داشته است دیده شود (اهم از دولتی غیر دولتی) بعنوان دولت ضبط خواهد شد

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه نطق)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی بنده در کلیات و در ماده اول هم هریض داشته ولی نوبت بنده نرسید حال در این ماده هریض خود را بناسب عرض می نمایم اولاً نقط (بنوان جریمه) را بنده زائد می دهم زیرا جمله بعنوان نفع دولت که در اینجا بره و بزغاله هم ذکر شده و بنده بیاناتی که آقایان راجع به آزاد گذاشتن بزومیش فرمودند مغالطه و عقیده ام این است که باقی کشتن آن ها را منع کرد زیرا بعضی اشخاص معمولاً در نزدیکی میدان روز بزومیش میخرند و تا مدتی که استفاده از شیر و روغن و سایر چیزهای آن ها می توانند بکنند آن ها را نگاه می دارند و در اوائل پاییز آن ها را می فروشند و این ترتیب در تمام شهر های ایران مرسوم است و اگر کشتن آن ها آزاد باشد یک چیزهایی از جمله گوشت و روغن و غیره با وارد می آید عقیده بنده این است که برای آن ها هم باید یک مجازاتی منظور شود و همچنین در اینجا بطور کلی نوشته شده پوست بره و بزغاله ضبط می شود در صورتیکه اساساً باید بره و بزغاله های مریض را استثنا کرده باشند مثلاً اگر هلثی داشته باشد که بتوانند آن ها را نگاه دارند یا میش هائی که دو بره می آورند باید آن ها را استثنا کرد و اگر بطور کلی برای تمام مجازات قرار دهند ممکن است مثلاً بره مریض و نزدیک بردن باشد و صاحبش مجبور آن را بکشد در اینصورت هیچ دلیل ندارد صاحب بره را از این پوست بی بهره کنیم و آن را دولت بعنوان جریمه ضبط کنند بنده این ماده را بجهاتی که عرض کردم ناقص می دانم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بلی

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی - بلی

حاج میرزا مرتضی - این ترتیب که در این ماده نوشته شده عقیده بنده تولید اشکال می نماید زیرا می نویسد از شش ماه کمتر داشته باشد پوست آن ضبط دولت خواهد شد اولاً مشخص اینکه این بره ذبح شده شش ماه زیاد داشته کی است!

باینجهت مردم دچار مأورین غلاظ و شداد می شوند و همیشه در زحمت و اشکال خواهند بود و همانطور که شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند ممکن است کلیه یکوقت به آفت یا بلائی مبتلا شود و مجبوراً آنها را ذبح کنند در اینصورت دچار زحمت و اشکال می شوند از طرف دیگر ممکن است بعضی گوسفند دوره بزایند و صاحبانشان مجبور شوند بکسی را بکشند در اینجهت هیچ دلیل ندارد دولت پولش را ضبط کنند عقیده بنده این است که این قانون را بترتیبی وضع کنند که در داخله مملکت آزاد باشد ولی آنچه بخارج می رود در گمرک ضبط شود و اگر چنانچه یک گوسفندی مرد و بچه او را گشتمند پوست آن مادام که در داخله مملکت است چیزی بر او تعدیل نشود و هر وقت خواستند بخارج حمل کنند در گمرک ضبط شود

رئیس - آقای وحیدالملک (اجازه)

وحیدالملک - اگر بنده اشتباه نکنم آقای مغیر پس از قرائت پیشنهادات اظهار فرمودند این دو ماده بکسیبسون

شاهزاده محمد هاشم میرزا می فرمودند اگر یک میش دوره زائید بقیمه بنده این مسئله مانع از وضع قانون نمی شود با این که آقای دولت آبادی میفرمایند ممکن است یک بره مریض و معیوب باشد و باین اعتبار باید او را مستثنی قرار دهیم عرض کردم قانون را مقنن بطور کلی وضع میکند و در مملکت بطور وضوح اعلام می شود پس از یکسال مردم می فهمند اگر بره را برای پوستش بکشند دولت در گمرک این پوست را ضبط خواهد کرد و تجار هم چون می بینند پوستش ضبط میشود نمی خرند بره فروشی هم بره را نمی کشند و این موضوعات از بین می رود پس ما مطلقاً باید بگوئیم پوست بره در گمرک ضبط میشود و بنا بر این بنده با پیشنهاد آقای مدرس موافقم زیرا در داخله یک بهانه بدست مأمورین مایه افتاد آنوقت این صحبتها از قبل اینککه مأمورین میر غضب و چوچه هستند پیش می آید پس ضبط در گمرک تمام این مطالب را درست می کند

رئیس - آقای میرزا مرتضی - این ترتیب که در این ماده نوشته شده عقیده بنده تولید اشکال می نماید زیرا می نویسد از شش ماه کمتر داشته باشد پوست آن ضبط دولت خواهد شد اولاً مشخص اینکه این بره ذبح شده شش ماه زیاد داشته کی است!

باینجهت مردم دچار مأورین غلاظ و شداد می شوند و همیشه در زحمت و اشکال خواهند بود و همانطور که شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند ممکن است کلیه یکوقت به آفت یا بلائی مبتلا شود و مجبوراً آنها را ذبح کنند در اینصورت دچار زحمت و اشکال می شوند از طرف دیگر ممکن است بعضی گوسفند دوره بزایند و صاحبانشان مجبور شوند بکسی را بکشند در اینجهت هیچ دلیل ندارد دولت پولش را ضبط کنند عقیده بنده این است که این قانون را بترتیبی وضع کنند که در داخله مملکت آزاد باشد ولی آنچه بخارج می رود در گمرک ضبط شود و اگر چنانچه یک گوسفندی مرد و بچه او را گشتمند پوست آن مادام که در داخله مملکت است چیزی بر او تعدیل نشود و هر وقت خواستند بخارج حمل کنند در گمرک ضبط شود

رئیس - آقای وحیدالملک (اجازه)

وحیدالملک - اگر بنده اشتباه نکنم آقای مغیر پس از قرائت پیشنهادات اظهار فرمودند این دو ماده بکسیبسون

شاهزاده محمد هاشم میرزا می فرمودند اگر یک میش دوره زائید بقیمه بنده این مسئله مانع از وضع قانون نمی شود با این که آقای دولت آبادی میفرمایند ممکن است یک بره مریض و معیوب باشد و باین اعتبار باید او را مستثنی قرار دهیم عرض کردم قانون را مقنن بطور کلی وضع میکند و در مملکت بطور وضوح اعلام می شود پس از یکسال مردم می فهمند اگر بره را برای پوستش بکشند دولت در گمرک این پوست را ضبط خواهد کرد و تجار هم چون می بینند پوستش ضبط میشود نمی خرند بره فروشی هم بره را نمی کشند و این موضوعات از بین می رود پس ما مطلقاً باید بگوئیم پوست بره در گمرک ضبط میشود و بنا بر این بنده با پیشنهاد آقای مدرس موافقم زیرا در داخله یک بهانه بدست مأمورین مایه افتاد آنوقت این صحبتها از قبل اینککه مأمورین میر غضب و چوچه هستند پیش می آید پس ضبط در گمرک تمام این مطالب را درست می کند

برمی گردد اگر اینطور است این ماده هم بکسیبسون برمی گردد پس از تجدید نظر برای مذاکرات بمجلس شورای ملی می آید

مخبر - بلی بنده عرض کردم پیشنهاد آقای مدرس قائم مقام این دو ماده خواهد بود و این دو ماده بکسیبسون رجوع میشود و یک ماده مجدداً پیشنهاد خواهد شد

رئیس - پس در واقع تقاضای کنید تمام لایحه بکسیبسون برگردد

مخبر - خیر ماده سوم و چهارم لازم بنده است پس از اتمام مذاکره شور اول ختم می شود و کسبسون بجای این دو ماده بر حسب پیشنهاد آقای مدرس یک ماده دیگری می نویسد و برای شور دوم به مجلس پیشنهاد می نماید

رئیس - دوقره پیشنهاد از آقای محمد هاشم میرزا و صدائیه رسیده بکسیبسون رجوع می شود ماده سوم قرائت می شود

(آقای سهام السلطان بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده سوم - پوست بره و بزغاله که از خارجه بگاک ایران وارد می شود مشمول ماده ۲ نخواهد بود و مأمورین گمرکی مکلفند آنها را مهر سری نمایند که از پوست های داخله ممتاز باشد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - از نظریات اغلب آقایان اینطور معلوم می شود که خرید و فروش پوست بره در داخله مملکت باید آزاد باشد و همین قدر قناعت شود کادر گمرک یک ترتیبی برای جلوگیری از این مسئله اتخاذ شود

بنابر این این ماده سوم هیچ مورد نخواهد داشت و لغو است (جمعی گفتند صبیح است) اگر آقای مخبر قائل باشد توضیحات خود را عرض می - نمایم

مخبر - توضیح بفرمائید تدین - در اینجا می گوید پوست بره و بزغاله که از خارجه می آید مشمول ماده دوم نخواهد بود یعنی ضبط نخواهد شد و مأمورین داخله مکلفند آنها را مهر سری نمایند برای اینکه از پوست های داخله در خارجه هم باید یک مابه الامتیاز قرار دهیم

مخبر - توضیح بفرمائید تدین - در اینجا می گوید پوست بره و بزغاله که از خارجه می آید مشمول ماده دوم نخواهد بود یعنی ضبط نخواهد شد و مأمورین داخله مکلفند آنها را مهر سری نمایند برای اینکه از پوست های داخله در خارجه هم باید یک مابه الامتیاز قرار دهیم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بلی

رئیس - بفرمائید

آقای آقا سید یعقوب - بلی

آقای حاج میرزا مرتضی - موافقم

حاج میرزا مرتضی - موافقم

برسد و یلمب شود تا در موقع خروج آزاد باشد

رئیس - حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض کنم این استثناء مورد ندارد زیرا ما باید صادران را زیاد کنیم و برعکس وارداتمان را کم نماییم

ولی در اینجا اجازه داده می شود که وارداتمان زیاد شود و صادرات کم و داده است بواسطه اینکه وقتی بناهد در داخله اجازه داده شود پوست آزاد باشد دیگر مهر سری معنی ندارد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت؟

آقا سید یعقوب - بلی موافقم

رئیس - مثل آندهمه موافقت

آقا سید یعقوب - با این ماده موافقم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - ما باید تکلیف برای خودمان مقرر کنیم نه برای تمام دنیا ما قانون وضع می کنیم وزیر مایه و وزیر داخله مأمور اجرای این قانون هستند که اگر کسی بره کشت مجازات او این باشد که در گمرک و سرحد پوست او را ضبط کنند بعد از آنکه این پوست را ضبط کردند دومرتبه دولت بر می گرداند و بداخله می فروشد

پس باید ما بین پوستهای داخله پوست هائی که از خارجه وارد می شود مابه الامتیاز قرار دهند مابه الامتیاز هم این است که دولت پوست هائی را که از خارجه وارد میشود مهر سری نماید تا با پوستهای داخله تفاوت داشته باشد تجار آزاد هستند پوستهای خارجه را خرید و فروش کنند ولی چون طرف معامله نسبت به پوستهای داخله دولت است و نسبت به پوستهای خارجه تجارند ما باید یک مابه الامتیاز قرار دهیم

مخبر - توضیح بفرمائید تدین - در اینجا می گوید پوست بره و بزغاله که از خارجه می آید مشمول ماده دوم نخواهد بود یعنی ضبط نخواهد شد و مأمورین داخله مکلفند آنها را مهر سری نمایند برای اینکه از پوست های داخله در خارجه هم باید یک مابه الامتیاز قرار دهیم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بلی

رئیس - بفرمائید

آقای آقا سید یعقوب - بلی

آقای حاج میرزا مرتضی - موافقم

حاج میرزا مرتضی - موافقم

البته اگر در داخله مملکت خرید و فروش پوست بره ممنوع باشد آنوقت این مسئله صحیح است یعنی اگر هر آینه پوست از خارجه وارد شود چون از تجارت نمیشود جلوگیری کرد باید گمرک آنرا مهر کنند که معلوم باشد متعلق بخارجه است ولی وقتیکه این نظریه را آقایان ندارند دیگر موضوع مهر سری از بین می رود و هیچ محتاج به علامت نخواهد بود و اینکه فرمودند در موقع خروج پوستها را ضبط کنند گمان میکنم فرضی است که هیچ وجود خارجی پیدا نخواهد کرد و عقیده بنده این است که باید یک گمرک سنگینی بسته شود و شاید کسبسون هم این نظریه اتعاذ کند برای خاطر اینکه ممکن است مقداری پوست از خارجه بیاورند و باز خارجه حمل کنند در صورتیکه مقصود مابه کشی داخله است و پوستی هم که از طرف ترکستان و افغانستان به مملکت ما وارد میشود اغلب خارج نمیشود اگر خارجه شود پوست داخله است و اگر هم یک گمرک گزافی بآن به بندیم هیچ مانع و اشکالی ندارد و اگر هم عنوان ترانزیت باشد آن یک موضوع خارجی است و راجع به معاملات تجارتنی خواهد بود

مخبر - خوب بود آقای حاج شیخ اسدالله همانطور که بفرمایش آقای تدین التفات فرمودند بعضی بنده هم التفات میفرمودند بعضی بنده هم التفات میکردند البته خرید و فروش پوست در داخله آزاد میشود و زمانی نخواهد داشت ولی ضبط در سرحد بجای خود باقی است و در این صورت برای تجار فرق نخواهد کرد زیرا مشتری های خود را از دست نمیدهند و ممکن است متاع خود را جاهای دیگر مثلا از سرحدات شرقی تهیه کرده مقداری را در داخله معامله کنند و مقداری را بخارج حمل نمایند اگر ما این قید را نکنیم در آن موقع باید از آنها یک جریمه فوق العاده گرفته شود در صورتیکه دلیل و فلسفه ندارد ما از تجاری که از خارجه پوست می آورند و خارجه حمل میکنند جریمه بگیریم البته باید آزادانه حمل کنند این ماده که چیز فوق العاده نیست و از تجارت خارجه هم جلوگیری نکرده

رئیس - آقای کازرونی مخالف هستند؟

آقای کازرونی - بلی

رئیس - بفرمائید

آقای کازرونی - موافقم

رئیس - بفرمائید

آقای کازرونی - موافقم

رئیس - بفرمائید

آقای کازرونی - موافقم

رئیس - بفرمائید

آقای کازرونی - موافقم

رئیس - بفرمائید

آقای کازرونی - موافقم

رئیس - بفرمائید

آقای کازرونی - موافقم

رئیس - بفرمائید

آقای کازرونی - موافقم

قانونی برای آن وضع کنیم در مال التجاره که بطور ترانزیت وارد گمرک می شود گمرک حق بسیار مختصری دارد و بدون گمرک معمول هم خارج شود همینککه تجار این مال التجاره را تصرف کردند دو حکم مال التجاره است آن وقت اگر بخواهند قانوناً آن مال التجاره را حمل بخارج کنند باید بحسب معمول گمرک بپردازند راجع به پوست بره هم اگر بطور ترانزیت تجارت شود مطابق قانون گمرک رفتار می شود و دیگر لازم نیست ما یک ماده قانونی وضع کنیم

مخبر - اگر آقای کازرونی بعضی بنده التفات می فرمودند می دیدند فرمایشات ایشان هیچ مورد ندارد بنده عرض کردم ممکن است تجار مال التجاره را از خارج خریداری کنند مقداری را در داخله معامله کنند و مقداری را هم خارج نمایند این مسئله مربوط به ترانزیت نیست

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خوب بختانه با این ماده بکلی مخالفم زیرا ما مجازات کشتن بره این را قرار دادیم که پوست آن در گمرک ضبط شود حالا می خواهند بیان کنند که اداره مایه باید در داخله هم تفتیش کند اگر جانی پوست گوسفند باشد ضبط کند بنده بکلی مخالف هستم و اگر پوست بخارجه بخارج برود باید گمرک ضبط کند

رئیس - آقای حاج میرزا علی دولت آبادی موافقت یا مخالف

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس بفرمائید

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس بفرمائید

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس بفرمائید

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - بنده هم همین عقیده حضرت والا شاهزاده محمد هاشم میرزا را داشتم که فرمودند مسئله ضبط کردن یک قسمت از پوستها مورد ندارد و باید بتوانند آنها را خارج کنند ولی بعد از سه ماه هر چه خواستند خارج کنند ضبط خود و بنده گمان میکنم اگر چنانچه آقای مغیر این ماده را به کسبسون برگردانند و اصلاح کنند بهتر خواهد بود

مخبر - خوب است آقایان در موضوعی که مطرح میشود مذاکره بفرمائید بنده عرض کردم این جمله (در انقضای این مدت کلیه پوستهای مهر نشده ضبط میشود)

رئیس - بفرمائید

آقای کازرونی - موافقم

حاج میرزا مرتضی - موافقم

معاف و در انقضای این مدت کلیه پوستهای مهر نشده ضبط میشوند

مخبر - نظر باینککه پیشنهاد آقای مدرس در نظر گرفته شده و کسبسون هم با آن پیشنهاد موافق است آخرین ماده تبصری باید پیدا کند باین طریق که نوشته شود وزارت مایه مکلف است در هر مجاز از روز اعلان این قانون تا سه ماه بداندگان پوست بره مهلت داد و پوستها را باید علامت گذاشت که از حالا تا هر وقت می خواهند آن پوست را خارج کنند

رئیس - آقای شیخ اسدالله موافقت یا مخالف؟

حاج شیخ اسدالله - موافقم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده اساساً موافقم که مهلت به دارندگان پوست داده شود ولی با این ترتیبی که در اینجا نوشته شده که ارجاع اداره مایه شود و در آنجا مهر سری مخصوص نمایند بنده مخالف هستم زیرا ممکن است تولید مشکلاتی برای دارندگان پوست بشود عقیده بنده این است که باید یک مدتی مثلا شش ماه در نظر گرفته شود که تا آن مدت بهر وسیله که میتوانند پوستهای خود را بخارجه حمل کنند بعد از آن دیگر پوستهایشان ضبط شود و گمان میکنم این ترتیبی که در اینجا نوشته شده اسباب زحمت میشود

رئیس - آقای حاج میرزا علی دولت آبادی موافقت یا مخالف

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس بفرمائید

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس بفرمائید

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - بنده هم همین عقیده حضرت والا شاهزاده محمد هاشم میرزا را داشتم که فرمودند مسئله ضبط کردن یک قسمت از پوستها مورد ندارد و باید بتوانند آنها را خارج کنند ولی بعد از سه ماه هر چه خواستند خارج کنند ضبط خود و بنده گمان میکنم اگر چنانچه آقای مغیر این ماده را به کسبسون برگردانند و اصلاح کنند بهتر خواهد بود

مخبر - خوب است آقایان در موضوعی که مطرح میشود مذاکره بفرمائید بنده عرض کردم این جمله (در انقضای این مدت کلیه پوستهای مهر نشده ضبط میشود)

رئیس - بفرمائید

آقای کازرونی - موافقم

حاج میرزا مرتضی - موافقم

حذف بشود دیگر چه اصراری دارند که در این موضوع مذاکره فرمایند یک عده تجار الان صاحب پوست هستند و هیچ قانونی هم شامل ما قیل نمیشود دلیل ندارد ما بگوئیم از فردا که این قانون اجرا میشود تمام پوستها در سرحد ضبط شود البته باید با آنها مهلت داد و پوستها را باید علامت گذاشت که از حالا تا هر وقت می خواهند آن پوست را خارج کنند

رئیس - آقای شیخ اسدالله موافقت یا مخالف؟

حاج شیخ اسدالله - موافقم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده اساساً موافقم که مهلت به دارندگان پوست داده شود ولی با این ترتیبی که در اینجا نوشته شده که ارجاع اداره مایه شود و در آنجا مهر سری مخصوص نمایند بنده مخالف هستم زیرا ممکن است تولید مشکلاتی برای دارندگان پوست بشود عقیده بنده این است که باید یک مدتی مثلا شش ماه در نظر گرفته شود که تا آن مدت بهر وسیله که میتوانند پوستهای خود را بخارجه حمل کنند بعد از آن دیگر پوستهایشان ضبط شود و گمان میکنم این ترتیبی که در اینجا نوشته شده اسباب زحمت میشود

رئیس - آقای حاج میرزا علی دولت آبادی موافقت یا مخالف

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس بفرمائید

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس بفرمائید

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس بفرمائید

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - بنده هم همین عقیده حضرت والا شاهزاده محمد هاشم میرزا را داشتم که فرمودند مسئله ضبط کردن یک قسمت از پوستها مورد ندارد و باید بتوانند آنها را خارج کنند ولی بعد از سه ماه هر چه خواستند خارج کنند ضبط خود و بنده گمان میکنم اگر چنانچه آقای مغیر این ماده را به کسبسون برگردانند و اصلاح کنند بهتر خواهد بود

مخبر - خوب است آقایان در موضوعی که مطرح میشود مذاکره بفرمائید بنده عرض کردم این جمله (در انقضای این مدت کلیه پوستهای مهر نشده ضبط میشود)

رئیس - بفرمائید

آقای کازرونی - موافقم

حاج میرزا مرتضی - موافقم

(اغلب نمایندگان گفتند کافی است)
رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم مدت سه ماه را پنج ماه نمایند
نظام الدوله پیشنهاد میکنم بجای ماده چهارم نوشته شود وزارت مالیه بعد از سه ماه از روز اعلان این قانون را اجرا خواهد نمود - مدرس - امین الشریعه - محقق العلماء کازرونی
رئیس - این پیشنهادها هم بکمیسیون ارسال میشود

ماده پنجم قرائت میشود:
(آقای سهام السلطان شرح آتی قرائت نمودند)
ماده پنجم - وزارت مالیه برای تعیین و تشخیص پوستهائی که مطابق ماده دوم بایستی ضبط شود و همچنین برای تشخیص پوستهائی ضبط شده دولت نظامنامه مخصوص تهیه خواهد نمود تا در موقع عمل و تفتیش اشکال و اختلافی رخ ندهد
مخبر - این ماده دیگر موضوعی پیدا نمیکند
رئیس - ماده ششم

(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ششم - وزارت داخله و وزارت مالیه هر یک در حدود وظائف خود مأمور اجرای این قانون خواهند بود
مخبر - وزارت داخله زائد است فقط وزارت مالیه کافی است
رئیس - در این ماده دیگر مخالفی نیست.

(جمعی گفتند خیر)
رئیس - شور اول ختم شد رای می گیریم به شور ثانوی بشود یا نشود
حاج شیخ اسدالله - اگر رای گرفته شود که مجلس داخل شور ثانوی این لایحه با همین مواد بشود بنده مخالفم ولی اگر مطابق آن پیشنهادیکه شده است مواد تغییر کنند و یک کمرک سنگینی بسته شود بنده موافق هستم
مخبر - حذف ماده پنجم گمان می کنم کاملاً جواب آقای حاج شیخ اسدالله را می دهد

البته شور ثانی پس از اصلاح بعمل خواهد آمد
رئیس رای می گیریم که داخل شور ثانی بشویم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد جلسه آتی روز سه شنبه سه ساعت بتروب مانده و دستور هم انتخاب هیئت رئیسه خواهد بود
فهیج الملک - بنده استدعا می کنم

لایحه راجع بمدت اقامت مأمورین سیاسی در خارجه جزو دستور شود
رئیس - اگر وقت بود جزو دستور خواهد بود آقای معتمد السلطنه (اجازه)

معتمد السلطنه - در نوزدهم فوس پیشنهادی راجع بالصاق تبر بعایدات غیر مستقیم شده بود قابل توجه هم شدو نماینده وزارت مالیه هم متعهد شد نظریات دولت را کتباً به مجلس بدهد چون تا بحال جوابی داده نه نشده استدعا می کنم تا کید شود زودتر در این موضوع جوابی بمجلس بدهد

رئیس - آقای وزیر مالیه خودشان هستند جواب می دهند
وزیر مالیه - در جلسه آتی نظریات وزارت مالیه را کتباً تقدیم می کنم
رئیس آقای کازرونی آقای وزیر مالیه را از سئوالتان مسبوق کرده اید
آقا میرزا علی کازرونی - خیر فقط در جلسه قبل یک صورت سئوالی بمقام ریاست تقدیم کرده ام

وزیر مالیه - سئوالتان را بفرمایند
آقا میرزا علی کازرونی - البته تصدیق می فرمائید تکلیف دولت منحصرراً این است که قوانین را اجرا کند هیچکس حق ندارد مالیاتی برقرار کند یا اینکه باسم مالیات چیزی از مردم بگیرد مگر آن مالیاتی که از مجلس گذشته باشد بنده و آقای وزیر و همه مردم می دانیم که پولها بعنوان مختلفه از مردم گرفته می شود و مدتی هم هست از افتتاح مجلس شورای ملی گذشته است و اگر در ایام فترت ضروری ایجاب کرده بوده که برخلاف قانون از مردم گرفته شود پس از افتتاح مجلس لازم بود صورت آن مالیاتها را بمجلس بفرستند و ببینند مجلس تصدیق می کند یا خیر
لهذا بنده از آقای وزیر مالیه سئوال می کنم در خصوص این مالیات هاتی که بعنوان مختلفه از مردم می گیرند و مجلس هم آن ها را تصویب نکرده است چه عقیده دارند آیا گرفتن این مالیاتها را جایز می دانند یا خیر؟

وزیر مالیه - خوب است آقای کازرونی مواردی را که مالیاتهای غیر قانونی گرفته می شود توضیح بدهند کدام است دولت اساساً در نظر ندارد مالیاتی بدون تصویب مجلس گرفته شود و مالیات هائی هم که در ایام فترت بدون تصویب مجلس وضع شده بود از طرف دولت حکم شده در همه جا موقوف شود و دیگر از کسی آن مالیاتها گرفته نمی شود

آقا میرزا علی کازرونی -
بنده گمان می کردم این مالیات هائی که از مردم برخلاف قانون گرفته می شود بر خود آقای وزیر مالیه معلوم است و هیچ لازم نیست که بنده تشریح نمایم حالا که اظهار بی اطلاهی می کنند بنده صورتی تهیه نموده

و تقدیمشان خواهم نمود
از جمله مالیات هائی که گرفته میشود مالیات کتیرا است و هم چنین مالیاتهای مختلفه که بعنوان مختلفه از قبیل دلالی و قیانداری و غیره از مردم گرفته می شود و چون صورتش را ندارم نمی توانم داخل در جزئیات آن بشوم

وزیر مالیه - در موضوع کتیرا یک لایحه بمجلس تقدیم شده است
رئیس - آقای وقار الملک (اجازه)

وقار الملک - بنده شب گذشته یک سئوالی راجع بمالیات غیر مستقیم عربستان از آقای وزیر مالیه نمودم جواب آن را مو کول بامشب فرمودند نمی دانم جواب سئوال بنده حاضر است یا خیر

وزیر مالیه - راجع بمالیات عربستان یک اختلاف حساب هائی در موضوع مغارج سردار اقدس حاصل شده و در وزارت مالیه مشغول تصویب هستند البته پس از تسویه به مجلس تقدیم خواهد شد

وقار الملک - بطوریکه آقای وزیر مالیه مستحضرنند عرایض بنده حاوی دو قسمت بود یک قسمت آن راجع بمالیات مستقیم عربستان بود که عرض کردم و با اینکه جواب آقای وزیر مالیه بنده را قانع نکرد فعلاً مسکوت می گذارم و امیدوارم عملاً بنده را قانع نمایند قسمت دیگر راجع به مالیات غیر مستقیم عربستان بود و مالیات غیر مستقیم عربستان آنچه راجع بشوشر است و تا اندازه رئیس مالیه دخالت در آن داشته آن را اداره کرده است ولی آنچه راجع بناصری و معمره بوده بنده اطلاع دارم یا رسال به چهارده هزار تومان بالغ شده است نمی دانم از این مالیات چیزی ماید دولت شده است یا خیر

(از طرف آقای وزیر مالیه اظهاری نشد)
مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۸۵

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه چهاردهم حمل ۱۳۰۱ مطابق ششم شعبان العظیم ۱۳۴۰ مجلس دو ساعت قبل از غروب برباست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس یوم شنبه دوازدهم حمل را آقای سهام السلطان قرائت نمودند
نایب رئیس - آقای حائری زاده در صورت مجلس اظهاری دارید؟

حائری زاده - در صورت مجلس نوشته شده که بنده بباره کشتی مخالف بودم ولی بالایحه دولت موافق بودم
بنده بالایحه دولت هم موافق نبودم و مخالف بودم.

نایب رئیس - آقای محمدشاه میرزا